

* اعضای هیأت دولت و استانداران حداقل یک روز در ماه را برای ملاقات مردمی تعیین کنند

* جهاتگیری در جلسه ستاد اجرایی نقشه مهندسی فرهنگی: توسعه فرهنگ قرآنی از

اولویت‌های نظام است

صفحه ۲

چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ - ۲۲ ربیع الاول ۱۴۴۱ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۲۹ - ۱۲ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب در دیدار تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی:

دشمن را در همه عرصه‌ها عقب زدیم

در جنگ اقتصادی نیز عقب خواهیم زد



* کار و راهبرد اساسی «مصون سازی اقتصاد از آسیب تحریم ها از طریق تقویت و رونق تولید داخلی» است

* تنها در بچه «انتقال حیات، روشنایی و نیرو به داخل کشور» همین دریچه ای است که فعالان بخش تولید بر روی کشور می‌گشایند

* ثروتمند کردن جامعه، افزایش ثروت ملی، گسترش رفاه عمومی و توزیع عادلانه منابع عمومی در اسلام، یک ارزش است که با تحقق این نگاه در عین وجود تفاوت در جامعه، شکاف طبقاتی به‌وجود نخواهد آمد

* برای نجات اقتصاد کشور نباید منتظر پایان تحریم ها و بودن

یا نبودن فلان شخص یا اقدام فلان کشور بود

* دور زدن تحریم ها به عنوان یک تاکتیک خیلی خوب است، اما کار و راهبرد اساسی را نباید بر مصون سازی کشور از آسیب تحریم ها متمرکز کرد

* در این سالها بیان مسائلی از قبیل اینکه «بینیم شش ماه دیگر چه می‌شود» و یا «برجام چه می‌شود» و حالا نیز «به امیدانتکار رئیس جمهور فرانسه مانند»، هیچ مشکلی را حل نکرده و نخواهد کرد

* اگر طرف مقابل از سیاست در دست برداشت نباید سیاست تکیه بر توان داخلی را تغییر دهیم

* واگذاری بر خسی کارخانه ها به افراد سوء استفاده‌چی، نه تنها موجب تقویت بخش خصوصی نشد بلکه عملکرد نادرست این افراد اندک، فضا را برای فعالان پر شمار و سالم بخش خصوصی نامساعد کرد

* بخش دولتی نباید به کلی از فعالیت های اقتصادی دست بردارد

* مردم باید تولیدات داخلی را تکریم کنند و اگر رفتار غلطی هم در این زمینه وجود دارد آن را زشت بدارند

صفحه ۲

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

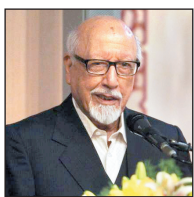
* سر لشکر سلیمی از عملیات آزادسازی سوسنگرد

صفحه ۵

مجلس شورای اسلامی

روایت مردم

* سر



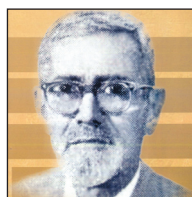
آموزگاری
برای تمام فصول

۷



تأملات
دکتر جعفریان

۳



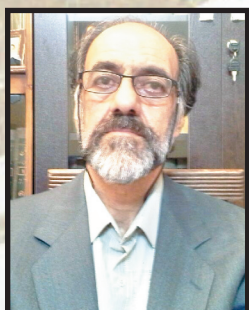
طبع روشن
چراغ خانه ماست

۲



ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۲۹



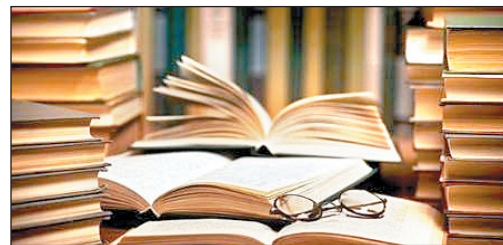
آشنایی با استاد محمد رستمی

فرهنگ باشکوه نرها و نند و تاریخ و ادبیات ایران



طبع روشن چراغ خانه ماست سرآغاز...

• سید مسعود رضوی



ای خدای پاک و بی‌انبار و یار

دست گیر و جرم ما را در گذار

قطره دانش که بخشیدی ز پیش

متصل گردان به دریاهای خویش
این هفته با برف زیبای شنبه که در عین حال با ناآرامی‌های
مربوط به بنزین و تغییر قیمت سوخت و حامل‌های انرژی همزمان
شده، همراه بودیم و به دل‌های خون گرفته اهل فرهنگ که در
آشوب‌های تمام نشدنی خاورمیانه همواره غریقی مظلوم بوده و هستند
فکر می‌کردم. ایرانیان، خوشبختانه این نکته را دانسته‌اند که خشونت
پدر خشونت و پسر خشونت است. هیچ عایدی ندارد اما اندوه و خسارت
و زخم‌های بی‌شمار برجای می‌گذارد.

انصاف داشته باشیم، فقر و آشفستگی، یأس و تحقیر، نداشتن
افقی برای حیات و نبودن فلسفه‌ای برای سعادت؛ و دورتر نروم،
پیش از همه این‌ها: فقدان لوازم معیشت و امکانات ابتدایی برای
شغل و درآمد و زندگانی شرافتمندانه و مستقل، می‌تواند هر فرهنگی
را دچار آشوب و پیریشانی کند و آخر سر، آنچه می‌ماند، لشکریان
غمزده فقر است و بینوایی و خدای ناکرده جامعه‌ای بی‌فردا که
فرزندانش سودای ساختن و ماندن ندارند چه رسد به خواندن و دل
سپردن و عاشق شدن و بالیدن... باید از سیل مهاجرت نخبگان و
تقاضای خاموش جوانان برای همین کار و فراتر از آن، از سکوت
دیرپای مردمی که قربانی رقابت سیاستمداران و بازیگرانی هستند که
فقط به منافع خود و گروهی اندک می‌اندیشند، می‌فهمیدیم که چه
در پیش است:

شب تاریک بیم موج و گردابی چنین هایل

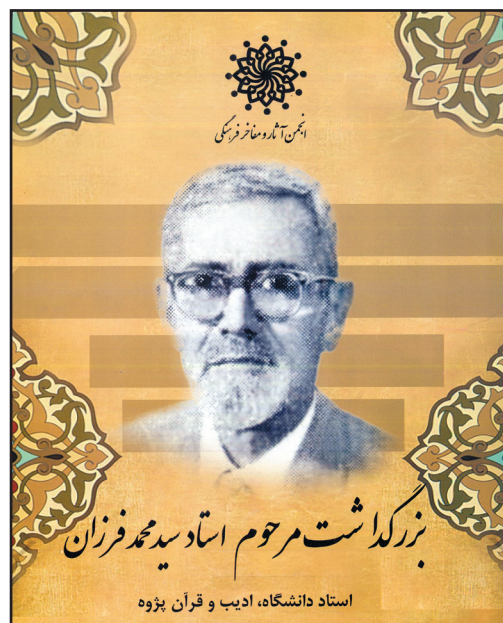
کجا داند حال ما سبکیاران ساحل‌ها
زمانی علامه محمد اقبال لاهوری، متاله و شاعر نامدار شبه قاره
و پاکستان در شعری تکان دهنده وضع کنونی ما و تمامی مسلمانان را
این گونه وصف کرد:

خواجه از خون رگ مزدور سازد لعل ناب

از جفای دهخدايان گشت دهقانان خراب
در کلیسا ابن مریم را به دار آویختند

مصطفی (ص) از کعبه هجرت کرده با ام‌الکتاب
من درون شیشه‌های عصر حاضر دیده‌ام
آنچنان زهری که از وی مارها در پیچ و تاب
با ضعیفان گاه نیروی پلنگان می‌دهند

شعله‌ای شاید برون آید ز فانوس حجاب
در فضایی چنین و هول و هراسی چنان، چگونه می‌توان آموخت
و آموزاند، خواند و پژوهید، گفت و شنفت؟ فرهنگ و علم و فن، نیازمند



بزرگداشت مرحوم استاد سید محمد فرزانه

استاد دانشگاه، ادیب و قرآن پژوه

آرامش است و توسعه و پیشرفت و خودباوری، و چگونه جامعه‌ای
می‌تواند خودباوری کند در حالی که خودباوری ندارد و در گرداب
ناپیداگرانه‌ای که در آن:

جان محکومان ز تن بردند و محکومان به خواب

اهرمن اندرجهان ارزان و یزدان دیرباب
سخن به صراحت و حق باید گفت! این ره که برخی اعظم و
مدیران کشور ما پیش گرفته‌اند، سامان را ناپسامان کرده، چه رسد
که بخواهد خشت نو بگذارند و جهان تازه خلق کنند! کجای کاربرد
ای برادران و خواهران که تاریخ از قرن‌ها و سال‌ها به گذر روزها و
لحظه‌ها شتاب گرفته و در مسابقه پیشرفت و سود و فرصت، بسیاری
از تازه رسیدگان پیشی گرفته و گوی بخت را از دست من و شما به در
بردند. هرچه بگوییم آهی سینه سوز است اما به امید حق، خیرخواهی
که مرز ندارد:

حلقه گرد من زیند ای پیکران آب و گل

آتش در سینه دارم از نیاکان شما
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، امروز بعد از ظهر جلسه‌ای به یاد استاد
محمدفرزان برگزار می‌کند که انتخاب شایسته و ارزشمندی است. مرحوم
فرزان در ادب عربی و پارسی خبره بود.

مرحوم علامه سید محمدفرزان (متولد ۱۲۷۳ روستای سندادان در
بیرجند و متوفای ۱۳۴۹) هم ادیب بود و هم قرآن پژوهی برجسته، ضمناً
در تاریخ اسلام و فقه هم تبحر داشت.

اما شگفت آنکه زبان انگلیسی و ادبیات فرانسه را هم با پشتکاری
عجیب آموخت و به همین دلیل در نقد ادبی، سخن‌ها و نظریه‌ها و
درس‌های شنیدنی و مفیدی عرضه کرد.

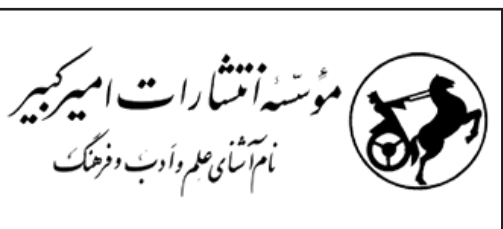
فرزان اهل تألیف نبود، اما برخی خطابه‌ها و مقالاتش ماند و منتشر
شده و اغلب به عنوان منبع و مرجع مفید و ارزشمند مورد استناد هستند.
به هر حال او هم از نسل اوستادان ادیب خراسان بود که در طول سده
اخیر درخشیدند و شاگردان زبده تربیت کردند و ازین جهان پرآشوب
درگذشتند. فرزان از بهترین استادان دانشگاه تهران - ادبیات و معقول و
منقول - بود. یادش گرامی باد.

روز دوشنبه در سالن اجتماعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی
دانشگاه تهران، جلسه بزرگداشتی برای فیلسوف و حکیم برجسته معاصر،
زنده یاد دکتر مهدی حائری یزدی برگزار شد و ضمن معرفی شخصیت
و اندیشه‌های والای ایشان، از چند تن از شاگردان و نویسندگان و
پژوهشگرانی که درباره آن فیلسوف میرز تحقیق و تألیفات دارند،
قدردانی به عمل آمد.

دکتر حائری فیلسوفی جامع در دو نحله حکمت اسلامی و فلسفه
غرب بود. همچنین در علم اصول و نثر پارسی نیز بی‌گمان استاد حائری
یزدی از سرآمدان روزگار بود.

ایشان شاگرد زبده مکتب و درس آیت‌الله العظمی بروجردی بود و
خلاصه کنم، به تمام معنا صفت جامع‌الحکمتین برآزنده ایشان است.
علم کلی، هرم هستی، کاوش‌های عقل نظری و عقل عملی از
معروف‌ترین آثار دکتر حائری یزدی بود و نگارنده نیز مفتخرم که دو کتاب
با عنوان «آفاق فلسفه، از عقل ناب تا حکمت احکام» و «سیاست‌گری و
سیاست‌اندیشی» حاوی گفتگوهای متعدد با استاد بزرگوارم و مقالاتی
جداگانه در تبیین و تاریخ حیات و فکر ایشان منتشر کرده است.

اما یک نکته مهم درباره منشآت و گفتگوهای مکتوب استاد فقید
به یادماندن است و آن نامه‌ها و پاسخ‌های عرفانی درباره محی‌الدین بن
عربی با امام خمینی، گفتگوهای مکتوب با نامه در موضوعات فلسفی
با علامه طباطبایی و سرانجام جدل فاضلانه با آیت‌الله جوادی آملی در



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
نام‌آشنای علم و ادب و فرهنگ

موضوع سیاست که یادآور مباحث سنته الاولین و قدمای حکمای بزرگ
اسلامی در ایران و برخی بلاد حکمت خیز است.
یاد آن عقل ناب و نفس زکیه را بر لوح فرهنگ و تاریخ وطن‌گرایی
می‌داریم.

سه‌شنبه دیروز نیز به برگزاری جلسه‌ای باید اشاره کرد به پاس
هشتادمین سال تأسیس مؤسسه انتشارات امیرکبیر در هتل لاله تهران
و سخنرانی چندتن از ناشران و نویسندگان در اهمیت و اعتبار امیرکبیر و
خدمات و میراث سترگ آن.

امیرکبیر بی‌شک برترین نهاد و مؤسسه نشر مکتوب و تولید
کتاب در ایران و خاورمیانه بود و هنوز مؤسسه‌ای با آن عرض و طول
و آن کارنامه و اهداف نمی‌شناسیم، زیرا به وجود آمدن بناهای عظیم
و پایه‌های مستحکم، نیازمند عزم و اراده شخصیت‌هایی است که
قادر باشند آرمان‌های خود را از قوه به فعل و از ذهن به عالم واقعیت
منتقل کنند.

امیرکبیر اما برای جعفری فقید به مانند فرزند بود؛ آرزویی که از
قلب او گرفته شد اما اثر آن و دامنه وسیع تغییراتی که در کمیت و کیفیت
کتاب و کتابخوانی، نشر و فروش، ویرایش و پیرایش و سرانجام حق و
حقوق مؤلف و ناشر و خواننده به وجود آورد، خود داستانی است دلکش
که پایانی دیگر داشت و باری، یکی داستان است پرآب چشم...

یک شاعر سبک هندی دهلوی در سال ۱۱۳۳ وفات یافته که
تخلص او «درد» بوده است. درد عنوان و صفتی شاعرانه است اما از
روح و جسم شما دور باد، دو شعر متوسط اما دلنشین دارد که در اینجا
برگزیده و می‌آورم:

نقد جانی زرخانه ماست
لبیل بوستان دوستی‌ایم
نغمه سنج مقام عشاقیم
غیرزلف و رخ تو ننماید
بس که غواص بحر توحیدم
درد یکتا دل یگانه ماست

عهد را اعتبار می‌باید
سست پیمانی و همی گویی
بهر کردار نامالایم ما
شمع‌سان بهرجان سوخته‌ام
درد در کوچه‌ها چه می‌نالد؟
ناله در کوهسار می‌باید

زمستانی پر بار را برای ایران و انسان آرزو می‌کنیم. به امید آنکه بخل
آسمان که در دهه‌های اخیر زمین میهن را تشنه‌کام کرده بود به پایان
رسیده و سخاوت ابر و باران بر این سرزمین و رجاوند جاودانه بیارد تا طراوت
بهترین و سبزترین بهاران را هر سال به همگان ارزانی دارد. چنین باد...





در چه حال و هوایی هستید؟

فکر می‌کنیم ما مردمی هستیم که هفت هزار سال قبل بهترین مردم روی زمین و از عاقل ترین مردم ربع مسکون بوده ایم. بهترین پیشرفت را داشته ایم.

بنده قصد شرح دادن اصطلاح عالم خیال را از نگاه فلسفه ندارم، این که مثلا این عربی یا ملاصدرا درباره آن چه می‌گویند همین طور، قصد ندارم درباره عالم تخیل در ادبیات صحبت کنم. آن هم موضوعی است که مثل اولی، هزاران صفحه در باره آن نوشته شده است. بلکه بحث این است که مردم ما، دوست دارند با پرهیز از تعقل و تجربه، تصوراتی برای خود بسازند، میان مفاهیم خیالی، سامانه ای از نظم و نسق پدید آورند، و از آنها در زندگی بهره و امورشان را پیش ببرند. از نظر آنها اصلا لازم نیست آن تخیلات، عقلانی باشد، یا عالم واقع و تجربه، سروکار داشته باشد، بلکه مهم این است که با مفاهیم و کلید واژه هایی که بیشتر متعلق به گذشته اند و نسل های گذشته برای آنها به ارمغان گذاشته اند در رفت و برگشت میان خوب و بد، بالا و پایین، آسمانی و زمینی، و مفاهیمی از این دست، عالم خیالی برای خود بسازند و با آن زندگی کنند.

توهم در این عالم خیال نقش زیادی دارد اما معنایش این نیست که آنان به خصوص عامه مردم می دانند آنها توهم است، بلکه آنها را اصیل و جدی می دانند. مردم یا همان عامه، اندیشه های خیالی خود را بدون آن که نسبت به آن هشیار باشند و به اصطلاح خودآگاهی داشته باشند که در چه سطحی از معرفت است، نظم می دهند و هر جا نیاز بود به آن استناد می کنند و دل خود را بر اساس آنها استوار کرده، و راه آینده خود را تعریف می کنند. در میان این مردم، کسانی بیشتر نفوذ می کنند که از قدرت تخیل بیشتر برخوردار هستند، بهتر می توانند با زبان و کلمات، بازی کنند؛ کلمات را در کنار هم بگذارند و آن تصویر خیالی را که می تواند تصویری از گذشته خوب یا آینده خوب تر که در انتظار است، عرضه کنند.

در چه حال و هوایی هستید؟

یک ویژگی این تخیل، این است که آن کلمات و معارف خیالی، نیاز به واقع گرایی، تجربه و سنجش عقلی ندارد. یعنی دور کن اصلی معرفت را که تفکر عقلانی و تأمل تجربی و داد و ستد میان اینهاست، نیاز ندارند. همان مقدار که بتوانند با استفاده از زبان و کلمات قدیمی و نیز کلمات و ترکیبات تازه منطقی به گذشته و فقط صورتا تغییر یافته استفاده کنند، کافی است. علم در این تخیل، هیچ جایگاه و ارزشی ندارد بلکه مضر است. برای مثال، در این تخیل، فکر می‌کنید در چه حال و هوایی هستید؟ فکر می‌کنیم ما مردمی هستیم که هفت هزار سال قبل بهترین مردم روی زمین و از عاقل ترین مردم ربع مسکون بوده ایم. بهترین پیشرفت را داشته ایم. اصلا ما همه چیز داشته ایم.

بهترین طب، بهترین فن و صنعت، بهترین افکار و اندیشه ها از آن ماست. حالا نواقص و شکست های مختصری هم بوده، اما هیچ وقت ما تسلیم آن نشده ایم. اصلا شأن ما شکست نیست و هیچ وقت شکست نخورده ایم. همیشه استوار و متین ایستاده ایم. تمام هنرهای عالم در اختیار ما بوده و هست. هیچ مردمی به اندازه ما قدرت فهم و اراده ندارند. اصلا هیچ کجای دنیا مردمانی به خوبی ما یافت نمی شوند. البته، ممکن است برخی از ملت ها، تمدنی بهتر از ما داشته باشند، اما امیدوار باشید که ما به دروازه تمدن نزدیک هستیم و عن قریب است که داخل این تمدن شویم. تازه همان تمدنی هم که در جاهای دیگر عالم هست، اصلش از ماست و آنها از ما سرقت کرده اند.

ما هزار سال پیش قمر مصنوعی درست کردیم، ما لامپ را کشف کردیم... ما چند مشکل کوچک داریم که به همین زودی حل می‌کنیم و از تمام موانع عبور خواهیم کرد. در فاصله کوتاهی می‌توانیم مثل کشور های متمدن مثلا فرانسه، ژاپن یا دست کم مالزی شویم. این نمونه از خیالات، در بسیاری از زمینه ها، جز لوازم زندگی ماست، اساسا در شرایطی که ما هستیم، این خیالات کمک

زیادی به بالا بردن روحیه ما می‌کند.

هادیان جامعه هم که این شرایط احساس را می کنند، چرا نباید بر دامنه این خیالات بیفزایند. اصلا گفتن عیوب و نواقص کار زشتی است و نباید کسی اشکالات را بیان کند. شهاد الله که مقصود بحث سیاسی نیست، مقصود این است که ما، غالب مردم و بسیاری از خواص و نخبگان، در مثلثه، ۱. عقل، ۲. تجربه و ۳. تخیل، بیشتر جانب تخیل را داریم و بیشتر از ذهن مایه می‌گذاریم. تاریخ خیالی می‌سازیم، فلسفه خیالی، تمدن خیالی، و گاه و بیگاه هنر خیالی و حتی اقتصاد که از همه عینی تر و محسوس تر و تجربی تر است هم گاهی خیالی تصویر می‌شود. اصلا چه اشکالی دارد به قول ملاآقای دربندی، روز عاشورا ۲۲ ساعت باشد تا همه داستانهای ما را - یعنی ملاآقا را - در خود جای دهد؟ یک

علمی در آن نواحی، در این باره تأمل کرده اند. بحث های فلسفی، تاریخی، و حتی دینی. در ایران هم این بحث ها شده است، چنان که بسا بحث از «علم دینی» هم یکی از همان راه حل هایی است که مطرح شده است. البته این نظریه گوشه چشمی به این هم دارد که شکل گیری یک انقلاب علمی در این جا، نباید مثل غرب باشد و اینجا باید نظریات خاص خود را داشته باشد و منطبق با دین باشد. در اینجا روی یک نکته می‌خواهیم تکیه کنم و آن این که واقعه، ما هم کم کار نمی‌کنیم. هم دانشگاه به اندازه کافی داریم، هم کتاب زیاد می‌نویسم، هم ناشر فراوان داریم، هم مجلات علمی پژوهشی و هم موسسات فرهنگی و تحقیقاتی. به اصطلاح جاری، تولید علممان بدک نیست، و سالانه هزاران کتاب و مقاله انتشار می‌دهیم. این مسأله جدید هم نیست. ما در



چطور دانشگاه کوچک لایدن

می‌تواند شانزده برنده

جایزه نوبل داشته باشد؟

تأملات

دکتر رسول جعفریان



کسی باید پیدا شود و به ما یاد بدهد که بهتر است در کنار آگاهی، قدری خودآگاهی نسبت به وضع موجود هم داشته باشیم. بهتر است اشکالات و نواقص را هم بشناسیم. بهتر است بدانیم که در شرایط خوبی نیستیم. بهتر است کسی دست ما را بگیرد، و از عالم خیال، وارد عالم واقعیت کند. ما مشکل معرفتی داریم.

چطور یک دانشگاه کوچک در شهر کوچک در لایدن، می‌تواند شانزده برنده جایزه نوبل داشته باشد؟

این مسأله به طور ملوم مرا آزار می‌دهد که چطور یک دانشگاه کوچک در یک شهر کوچک در لایدن، می‌تواند شانزده برنده جایزه نوبل داشته باشد، اما نه فقط ایران، بلکه مجموعه‌ای عظیم از کشورهای اسلامی، تنها دو بار آن هم نصف نیمه جایزه نوبل دریافت کرده باشند. شاید کسی بگوید جنس ما آدم‌ها در این سوی و آن سوی عالم یعنی شرق و غرب متفاوت است؟ پذیرفتن این امر مشکل است، چرا که ایرانیان فراوانی هستند که در حال حاضر در کشورهای غربی، در جایگاه های علمی خوبی قرار دارند.

ممکن است گفته شود این جایزه نوبل و امثال اینها، یک دروغ بر ساخته استعمار است، کما این که کسانی این مطلب را هم گفته اند. در این باره زیاد می‌شود گفت و حتما این مساله باید پاسخی داشته باشد. تا وقتی جواب درستی برای این سوال پیدا نکنیم، نباید از پای بنشینیم. ما باید دریابیم گیر کار ما در کجاست که نمی‌توانیم یک تکان علمی محکم به خودمان بدهیم.

در این زمینه، مطالب زیادی طی این دو قرن گفته شده است. بخش مهمی از این مباحث، حتی در غرب هم محل توجه بوده و آنها از زاویه درک چگونگی تحول

دوره قاجار هم زیاد نوشتیم. آثار فراوان و بیشمار. اما یک نکته هست، اینها در چه چارچوبی نوشته شده، بیشتر در چه موضوعاتی بوده، و از علم و تحقیق و نوپژوهی چه بهره ای داشته است؟ ما تحت سیطره چه اصولی از نظر علمی، چه ساختاری از نظر فهم فلسفی، و چه دیدگاه شناخت‌شناسانه، به مباحث و موضوعاتی که باید بپردازیم، قرار داریم؟

زمانی که کتابی از یک شیخی مذهب دوره قاجاری را تصحیح می‌کردم، نویسنده یک مطلب مهم را مطرح کرده بود. او گفته بود که به ما شیخی مذهب ها، ایراد می‌گیرند که مطالب نو می‌گوییم و حرفهای تازه می‌زنیم. نویسنده آن کتاب راست می‌گوید، شیخی ها کتابهای بزرگی می‌نوشتند، انبوهی از رسائل و متون. آثار چند جلدی. در این آثار حرفهای نو هم می‌زدند.

نویسنده آن کتاب، محمد حسین ممقانی، در سال ۱۲۸۵ ق یعنی ۱۵۰ سال پیش می‌گوید، این چه اشکالی دارد که ما مطالب زیاد بنویسیم و حرف نو بزنیم. مگر در غرب این هم کتاب جدید و راه و رسم تازه درست نکرده اند. مگر همیشه باید آدم، حرفهای کهنه و قدیمی بزنند؟ پاسخ ممقانی این است که در غرب هم، کلی کار تازه شده است، اما کسی آنها را بد نمی‌گوید و تازه پادشاهان آنها، از نویسندگان و مبدعان حمایت هم می‌کنند عبارت او را ببینید:

«شکی نیست چنانچه تصرفات اهل این زمان را می‌بینیم، در ماکل و مشارب و عمارات و باغات و فروش و ظروف و اسباب و آلات حرب و صنعت ها و حرفت‌ها و کشتی ها و عراده ها، تصرفات عجیبه و غریبه می‌کنند که پیشتر اسمی و رسمی از آنها در میان عامه مردم نبود؛ مگر اصول آنها که اهل این زمان همان اصول را

در دست گرفته، تصرفها در آنها می‌کنند که الی الان به ذهن احدی نرسیده بود. چنانچه الان در فرنگستان کارخانه ها از برای بافندگی چیت و کرباس و حریر و سایر اقمشه اختراع کرده و از برای آنها اسباب و آلاتی گرد قرار داده اند که همه به یک جا می‌چرخند، و یک دفعه به حرکت می‌آیند؛ به طوری که هم حلاجی می‌کند و هم می‌ریسد و هم می‌بافد و این کار هر حلاجی و حلاج نیست. و هم چنین در صنعت بخاری، کشتی‌های بخاری درست می‌کنند که دو سه روزه یک ماه را طی می‌کند، و بالون که به هوا می‌رود، و سریع تر از کشتی دریایی سیر می‌کند و عراده های بخاری که در یک ساعت ده فرسخ راه می‌رود، و تلگراف که در چند دقیقه از همه روی زمین خبر می‌دهد و هکذا عمل چاپ، و عمل عکس که صورت به همان هیأت در شیشه می‌ماند و محو نمی‌شود. خلاصه صنعت‌های عجیب و غریب به کار می‌برند که عقول اکثری از ادراک آنها عاجز و قاصرند و اغلب صنعت کاران به همین جهت از کار افتاده اند. با وجود این احدی از جولای و جولای بایف و سکاری و سایر صنعت کاران و اصناف بازاری کاری با فرنگی ندارند و به آنها بحث نمی‌کنند که چرا شما این صنعت ها را اختراع کرده، امر ما را فاسد و بازار ما را کاسد، و راهها را نزدیک و کارها را آسان کرده‌اید؛ بلکه همه آنها دیدند که این کارها بهتر و آسان تر از کارهای سابق است رفتند پی آن کار» (تمام).

مرد مومن! این چه مقایسه‌ای است؟

نکته ای که ممقانی در مقایسه تولید آثار علمی توسط شیخیه با تولیدات غرب مطرح می‌کند، جالب است. او نوشته های شیخی را که از عالم هورقلیا و رکن رابع سخن می‌گفتند، با ساختن تلگراف و کشتی و ساعت و بالون و... مقایسه می‌کند. این شگفت است. کسی نیست به او بگوید، مرد مومن! این چه مقایسه‌ای است؟ دیروز و امروز، شما می‌توانید کسانی را داشته باشید که روزی ده خطابه ارائه دهند، دو ساعت حرف بزنند که یک ما به ازای جدی در عالم واقع نداشته باشد، آسمان و ریسمان را بهم ببافند و اسمش را علم و دانش و راهنمایی خلاق به سوی تمدن بگذارند. آن وقت آیا مقایسه کردن این خطیبان که هر روز افاضاتشان در کلیپ های مسخره منتشر می‌شود را می‌توان با تولیدات علمی جهان دیگری مقایسه کرد که هزار چشم ناظر آنها را کنترل می‌کنند؟ هرچند در همه جای دنیا پرت و پلا و شبه علم هست، اما مهم جریان غالب است.

مشکل ما در عدد تولید نشریات و کتاب نیست، مشکل ما این است که در چارچوب معارف کهنه ای که به اسم فلسفه و فرهنگ اطراف دین را احاطه کرده و با عنوان تقدس اجازه کوچکترین تأملی را در آنها به ما نمی‌دهد. کاری که ما می‌کنیم این است که مرتب حرف های قدیمی را باز تولید می‌کنیم. اسمش را شرح آن متون نمی‌گذاریم ولی حقیقت چیزی بیش از شرح گذشته نیست. ما عادت به تفکر نداریم، ما همان را که داریم، و البته گاه در عالم هورقلیا، بازتولید می‌کنیم. گاهی معقول تر و گاهی مسخره تر. کافی است برای شناخت بازتولید، به همین کتاب اسرار الشهاده ملاآقادر بندی بنگرید که چطور عاشورای ابومخنف را بازتولید می‌کند و حجم آن را به صد برابر می‌رساند. دهها بلکه صدها مثل اسرار الشهاده در آن دوره نوشته شد. این آقای آقادر بندی مرتب هم شما را توبیخ می‌کند که اگر در اینها تردید کنید، به جرگه ناصیبان یا جهلا و محقا رفته اید و کافر شده اید و شما جاهلید و نمی‌دانید و از اسرار عالم و دقایق آن خبر ندارید.

ما در وقت گذاشتن، نیرو گذاشتن، صرف امکانات، و بسیاری از مسائل دیگر، دست کمی از دیگران نداریم، اما در اینجا، شبه علم تولید می‌کنیم نه بیشتر. نباید به های و هوی اطرافمان توجه کنیم. به آنچه هم که ذیل تمدن غربی رشد می‌کند، مثل پزشکی نباید دل ببندیم، هرچند همان هم مهم است، ما باید به فکر خارج شدن از چارچوب های قدیمی، دانش پوسیده و اندیشه های شکل گرفته در اطراف آن که همه چیز ما را احاطه کرده باشیم تا راهی باز شود.

دوباره حافظ همیشه حافظ

دیوان خواجه شمس‌الدین محمدشیرازی(۷۲۶–۷۹۲ هـ ـ ق) مقلب لسان الغیب و «ترجمان الاسرار» همانند بسیاری از دیگر شعرای بزرگ و صاحب نام زبان فارسی، به کرات و سرات تصحیح، چاپ و نشر یافته است و به همین روال تا ابد الدهر کار ادامه خواهد یافت و باید که چنین باشد.وجود چنین موهبتی از چپتی نمودار اعتبار نهان مؤلفان، مصححان و ناشران است به زبان فارسی و یاسداشت کیان فرهنگی جامعه خودی و جهانی و دیگر ناظر است به برآوردن نیازی که عامه مردم در هر دور و زمانی به چنین آثاری دارند.از سویی دیگر هم مزید بر همه، اقدام به چنین مهمی گویای اعتبار مؤلف و مصصح است در طرز کار و روش نگرش وی به این پدیده مهم فرهنگی.

اخیرا با اقدام نیک و هوشمندانه مدیران محترم انتشارات علمی و فرهنگی، دیوان شاعر شهیر ایرانی –حافظ شیرازی– به سعی و اهتمام استاد عالی قدر، جناب آقای دکتر محمد رستمی به شیوه‌ای بکر و بدیع مرتب و منظم گردیده و چاپ و نشر یافته، و البته که مایه چشم روشنی اهل دانش و بینش و ذوق و ادب فراهم گشته است و تا باد چنین باد، باری، با توجه به چاپهای مختلف و تصحیحات گوناگونی که تاکنون از دیوان حافظ فراهم آمده در این روزگار، وجود چاپی ذوقی، النطاقی، ضرورتی دیگر دارد، خاصه که وجوداین چاپ همراه با نکته سنجی‌های خاص و وسواس علمی و تأملاتی شایسته صورت گرفته است. بدیهی است سعی آنان که چنین تمهیدی دیده‌اند مشکور است وسعیشان مآجور خواهد بود.

چاپ مورد نظر، از حافظ به شیوه‌ای تازه در تابستان سال۱۳۹۷ با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با طرحی زیبا فراهم آمده است به قطع پالتویی در ۶۶۸ صفحه با کاغذ اعلاّی ابریشمی زرد رنگ، (نوعی گلاسّه) همراه با ریزه‌کاری‌های از جهت آوردن تصاویر و برجسته کردن نام و تخلص شاعر، با رنگی متفاوت از رنگ متن اثر.

به طور کلی، این کتاب شامل دو قسمت ممتاز از هم است به صورت دو مجلد کتاب اول که فلاّ فراهم آمده همراه با پیش ففتری از مؤلف همه اشعار به شیوه و نظام الفبایی مرتب شده براساس آخرین حرف مصراع دوم بیت اول(مصرع). علوین عمده اشعار، به ترتیب شامل غزلیات، غزلیات مشکوک(منسوب)، قصاید، ترکیبند، ترجیع‌بند، مثنوی‌ها، قطعات رباعی‌ها و اشعار و ابیات منسوب به حافظ می‌شود. و اما در کتاب دوم که امید است عن قریب به زیور چاپ آراسته شود، مؤلف محترم، ضمن بیان سخن آغازین، مطالبشان را به شش بخش مجزا از هم تقسیم نموده‌اند. این قسمت که مهم‌ترین مباحث انتقادی درباب حافظ و شعر اوست، ارزش تحقیقی فراوانی دارد، خاصه که مؤلف گران قدر از پیشتره‌ها، آراء کرده بودند تا به چنین مهمی بپردازند.

اعتقاد این بنده ناچیز برای این است که ای کاش این شیوه از کار و عمل و تفحص و تحقیق در مورد همه بزرگان ادب فارسی و آثارشان –اعم از شعر و نثر – با جدیت تمام پی‌گیری شود و چنان باشد که هر گاه پس از چندی این آثار هر هفت کرده به جلوه در آیند و به شکوفایی ذوق عمومی افراد مدد رسانند.

شکی نیست که فکر و شعر و نظر و پسند و دریافت بزرگانی چون حافظ، برآیند تفکر عمومی یک قوم است که در خاطره جمعی مردم صورتی ابّدی پیدا کرده است. بدین روی هر کسی مایل است که در هر مرتبهای از دانش و بینش است، به دیدار حافظ، این ابوالعجایب هنری، بشناید و دمی با او همراه شود و از فیوضات ربانی او بهره گردد. چون چنین است، البته جا دارد، دیوانی چون دیوان حافظ هر بار با نوعی از طرح و نقشه و خطا و تصویر عرضه شود. تا هر کس برحسب پسند خویش،از ترکیب کلیات چنین اثری، خود را بیابد و با آنچه در مافی الضمیر او قرار گرفته است، بیش از پیش آشنا شود. مردم ایران شعر حافظ را ندای درونی خودشان می‌دانند و آشنایی با او را نوعی خودشناسی می‌دانند. نیز از جهتی کتاب حافظ، برای ایرانیان همراه با نوعی تقدس است چندان که عامه توسل و تقال بدان را امری دل آگاهانه می‌شمارند. دیدار با شعر حافظ، و رفتن بر مزار او، نوعی زیارت است که آدمی در این نوع از برداشت با چنانی از معانی آشنایی پیدا می‌کند. با احترام و تعظیم اراده کسانی که در راستای این نوع امور مهم و اصیل فرهنگی می‌کوشند، قابل تقدیس است از خداوند بزرگ توفیق بیشتر چنین عزیزانی را از درگاه خداوند بزرگ مسألت دارم.

کتیبه

جستار گشایی:

شرح احوالی از آقای محمد رستمی، نویسنده و محقق پرکار و دقیق‌النظر نهاوندی به قلم ایشان به چاپ رسید که تاریخ اردیبهشت ۱۳۸۹ را بر جبین دارد. از جمله این عبارات به خط او:

«ماییم که خورشید همه شگ‌زدگانیم خودسوخته روشنگر راه دگرآینم»

محمد رستمی فرزند روح‌الدّین و قمرتاج، متولد نوزدهم آذرماه سال یکهزار و سیصدوسی و یک خورشیدی در محلهٔ چهارباغ (=چارواغ= Carvaq) نهاوند، فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی، خلدوند یکتا را شاکرم که توفیق آفرینش آثاری در زمینهٔ فرهنگ بومی و ملی را به من عطا فرمود، از جمله… افتخار سی سال معلّمی و تدریس در دورهٔ متوسطه و دانشگاه نصیبم شده؛ «بس نام و نشاندار ز ما نام گرفتند

ما خویش در این معرکه بی‌نام و نشانیم» امیدوارم آیدنگان از این آثار بهرمای برگیرند و از نگارنده و تلاش او یادی کنند:
«چون عطر بیبود، دگر عطار چه گوید

«دستان» ز چه گویی که چنینم و چنانیم» اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

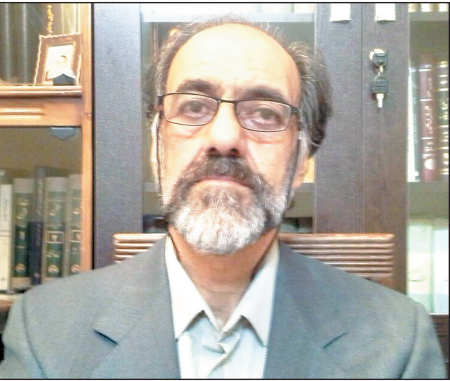
البته شرح احوال مفصل و مشروح ایشان در کتاب «فرهنگ مردمی نهاوند» درج و منتشر شده است، اما در این نوبت از معرفی چهره‌های فرهنگ و خدمتگزاران عالم تحقیق و ادب و نگارش و هنر ایران، به معرفی آقای محمد رستمی و آثار و فعالیت‌های پژوهشی وی می‌پردازیم. جا داشت که مصاحبه‌ای انجام می‌شد و ما سیاههٔ پرسش‌هایی را هم خدمت ایشان ارسال کردیم، اما فرصت و شکیب میسر نشد و لذا در این شماره با چند مطلب منفصل‌العنوان، اما متصل‌الموضوع، با محقق برجستهٔ نهاوندی که در تاریخ و زبان‌شناسی و فولکلور و ادب پارسی و رمان‌نگاری و فنون متنوع دیگر قلم زده و آثار ارزشمندی را رقم زده است، آشنا می‌شویم. مطلب اول، شرح حال و کارنامهٔ کارهای ایشان اعم از پژوهش و تألیف و تصحیح و آفرینش ادبی است. این مطلب را جناب استاد رستمی شخصاً نوشته‌اند. پس از آن مقالهٔ دوم، نوشته‌ای از نویسنده و محقق محترم معاصر آقای محمدمهدی ناصح است که معرفی تصحیح درخشان و تازهٔ جناب استاد رستمی بر دیوان خواجه شمس‌الدین محمدحافظ شیراز است. این اثر نفیس و

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۴۲۹

ارزشمند به تازگی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی به زیور طبع آراسته شده است.
اثر سوم هم برای آشنایی با کیفیت و محتوای داستان «کمدی ایرانی»، نوال جالب و خواندنی آقای رستمی است که یکی از علاقه‌مندان به ادبیات و آشنایان با این اثر تحریر کرده‌اند این کتاب نیز در سال ۱۳۹۷ در ۲۵۶ صفحه از سوی علمی و فرهنگی به چاپ رسیده و روانهٔ بازار شده است.
باری، ضمن نیایش به درگاه بزدان پاک، برای محققان شایسته و کوشای میهن بزرگ و کهنسالمان ایران، که سرزمین مادری، و گاهوارهٔ زبان و شعر دری است، آرزوی سلامت و سربلندی داریم و توجه خوانندگان عالی‌مقام را به این مقالات و مطالب جلب می‌کنیم.

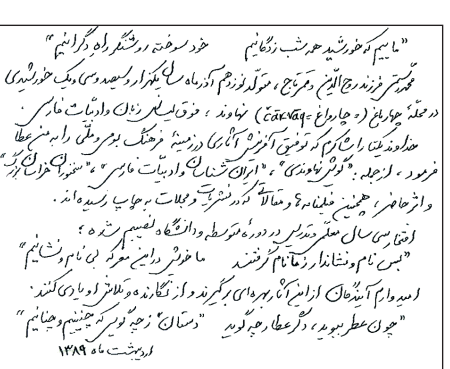


می‌رسد که اهم آن‌ها عبارت است از:

گویش نهاوندی [بررسی زبان‌شناختی گویش نهاوندی] (۱جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
فرهنگ مردمی نهاوند (۲جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
شرح امثال و حکم نهاوندی (۲جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
کمدی ایرانی [زمان] (۱جلد) شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۹۶

فرهنگ باشکوه نهاوند و تاریخ و ادبیات ایران

آشنایی با استاد محمد رستمی، محقق و مؤلف و ادیب معاصر



او گذشته از مقالات ادبی و اشعاری معدود که در نشریات محلی و کشوری به چاپ رسانده، توفیق ساخت فیلم تلویزیونی و تنظیم ترانه‌هایی را برای رادیو یافته و سپس به چاپ و نشر آثارش پرداخته که تاکنون در موضوعات گوناگون به بیش از ده جلد

بخشی از دیباچه شرح امثال و حکم، کنایات، اصطلاحات و داستان های امثال فارسی

دستان نامه پارسی

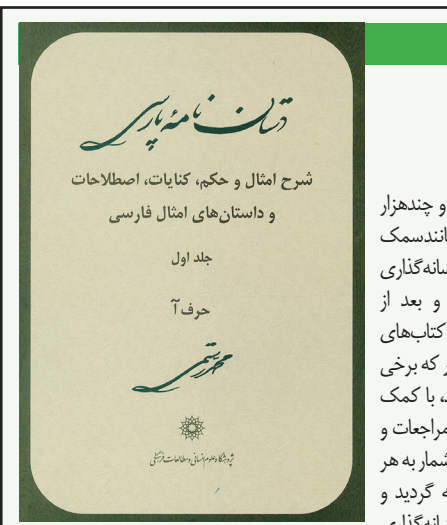
یادداشت و ثبت و ضبط کردم و اینک خدا را شاکرم که لباس طبع بر تن می‌کند و به نظر فرهنگ‌دوستان می‌رسد
در اینجا بد نیست یادآور شوم که طعم و لذت دریافت معانی ثانوی و غیرحقیقی عبارات و کلام را تنها کسانی به خوبی می‌چشند و در می‌یابند که توانایی فهم و درک و هضم آن را داشته باشند و این حس از دوران نوجوانی در ذهن انسان ایجاد می‌شود و من که از اوان نوجوانی و زمانی که توان خاوندان را یافت‌ام و با کتاب آشنا شدم،م، شاید به دلیل شیفتگی و پیگیری عاشقانه مطالعه و خواندن هر آنچه که به دست می‌رسید، به این باور رسیدم‌ام که این حس و علاقه هر چند که تا حدودی اکتسالی است و بر اثر عادت در وجود شخص ایجاد می‌گردد و جایگزیر می‌شود،اما به نحوی هم توفیقی است. یعنی گویی برای برخی از افراد چنین مقرر شده که از کودکی از بوی قلم و کاغذ مست شوند و به وجد بیایند و خواندن و نوشتن برایشان به صورت عادی درآید که از آن گزیر و گریزی نیست و در مقابل کسانی که این لذت را در نیافته و طعم آن را نچشیده‌اند، گویی به هیچ وسیله‌ای نمی‌توان آنها را با کتاب و مطالعه آشتی داد و هکاه همانند جن و بسمله‌آه که من گریزانند.

آن که در همان آغاز خواندن آثار فارسی به وجود تفاوت‌هایی در نحوه بیان و به کارگیری واژه‌ها و عبارات، پی برده بودم در پی آن برآمدم که دلیل این امر را دریابم و بدانهم چه عاملی موجب می‌گردد که انسان از دسته‌ای از عبارات لذتی مضاعف ببرد و به تأمل واداشته شود. بعدها که در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل و تحقیق پرداختم،با این گونه‌ها بیشتر آشنا شدم و پس از انجام چند طرح پژوهشی و چاپ و انتشار آنها، شوق دارد در ذهن نگارنده جایگزین شده و در واقع آرزوی کاری خالی از این نقض‌ها و مزین کاری به محاسن و خلاصه جامع و کامل را، در سر می‌برورده است و همین موجب شده که در پی انجام چنین طرحی برآید.

باری در چند سال اخیر که مشغول گردآوری و تدوین چند اثر در مورد فرهنگ البته عمدتاً بومی – بودم، به صورتی پیگیر در گردآوری مواد لازم جهت انجام این اثر، می‌گویشیم و هر آنچه را که مربوط به مثل و حکمت و تعبیرات و کنایات و… فارسی بود،

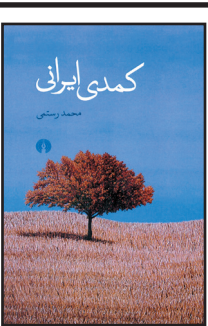
اول آن را به پایان رسانده و چاپ شده است و جلد دوم با عنوان «دولت عشق حافظ» در شرف اتمام است.
همچنین دیوان غزلیات سعدی (در ۲جلد) از این مجموعه در نیمه راه انجام یافتن است.
دیگر «دیوان کامل شمس» اثر مولانا جلال‌الدین مولوی است که در چندین مجلد همراه با شرح و توضیحات و نمایها و پیوست‌های دیگر در مراحل پایانی انتشار است.
رستمی خود معتقد است که: «از این میان آنچه که بیشتر قابل توجه است و باید در موردش توضیح داد، همانا کتاب (مجموعه) «دستان نامهٔ پارسی» است که در مجلدات متعدد تهیه و تدوین می‌گردد و بحمدالله جلد اول آن (شامل حرفاً) در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده و منتشر شده است. این اثر گسترده در برگیرندهٔ امثال و حکم و عبارات کتابی و تشبیهی و هر آنچه ذیل مقولهٔ مجاز قرار می‌گیرد می‌یاشد. که ویژگی‌های آن در مقدمهٔ مفصل جلد اول آمده و دلایل لزوم انجام آن بیان شده است.علاقه‌مندان بهتر است به خود اثر مراجعه نمایند با این حال به چند مورد مهم فهرستوار اشاره می‌کنم:

۱) آثاری که در مورد امثال و حکم فارسی تدوین گردیده، هیچیک در برگیرندهٔ بخش اعظم این مواد نیستند و بیشتر تحت تأثیر نامداری مؤلفان و هیاهوهای مرسوم، مشهور شده‌اند، کما این‌که خود علامهٔ دهخدا به کامل نبودن کار خودش اذعان کرده است. در حالی که دیگران به نقد آن نپرداخته‌اند.
۲) شرح و توضیح امثال فارسی در هیچ اثری به صورت کامل و قانع‌کننده نیامده است.
۳) در آثار منتشر شده پیوست‌ها – شامل داستان مُثَل‌ها، توضیحات، نمایها، – ثبت نشده است.
خلاصه آن که مؤلف – و دستیارانش – معتقدند که چنانچه این اثر، با سرعت بیشتر و در زمان کوتاه‌تر به صورت کامل تدوین گردد و انتشار یابد، اثری بی‌ماند و کامل و ضروری خواهد بود که در تاریخ ادب فارسی برای آیندگان بسیار معنتم است و جایگاه خود را خواهد یافت و امیدواریم چنین شود.
در اینجا توجه اهالی ادب را به این اثر و اساساً لزوم عنایت به امثال و حکم فارسی جلب می‌کنیم و یاریگری آن‌ها را می‌طلبیم.
بهمین ابراهیم‌زاده عهددار شده‌اند.
من‌الله التوفیق و علیه‌التکالن
محمد رستمی مهرماه ۱۳۹۸



برخی چندین مجلد و چندهزار صفحه‌را شاملند.همانندسمک عیار – به مطالعه و نشانه‌گذاری عبارات گرفته شد و بعد از انجام کار بر روی کتاب‌های دسترس، دیگر آثار که برخی کامیاب بوده وهستند، با کمک گرفتن از دوستان و مراجعات و تماس‌های افزون از شمار به هر نحوی که بود، تهیه گردید و همگی را بررسی و نشانه‌گذاری کردم. پس از اینها نوبت مجموعه‌ها و فرهنگ‌های گردآوری شده و در برگیرنده، امثال و حکم فارسیبد که آنها نیز بررسی و برای استخراج مواد علامت‌گذاری شدند از جمله «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» که در سال‌های اخیر چاپ و منتشر شده، همراه با «امثال و حکم» دهخدا و دیگر آثار، همه و همه بررسی و نشان شدند یادآوری می‌شود که بسیاری از این مجموعه‌ها و از جمله همین «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌ها» فاقد هرگونه شرح و توضیحی هستند و تنها ماده مثل و عبارت در آنها ثبت شده است. این کارها صورت عمل به خود گرفت و در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ قرارداد انجام طرح با ناشر منعقد گردید. از آن هنگام کار صورت‌جاری‌ت یافت و پس از آن، بیش از یکسال و نیم مصروف به نگه‌نویسی(فیش‌برداری) از مواد و عناصر ومدخل‌های مثل‌ها و حکمت‌ها و تعبیرهای دیگر دارای معنای غیرحقیقی(مجازی) و اصطلاحات و مانند آنها شد، تا جایی که در اوایل سال۱۳۹۲ تعداد برگ‌ها به بیش از پنجاه هزار مثل و حکمت رسید و همین حدود نیز در مورد دیگر عبارات فراهم آمد و در حین انجام کار همچنان به شمار این یادداشت‌هاافزوده شده و می‌شود.البته در ضمن ثبت مواد هر نکته ضروری که در شرح و توضیح احتمال بهره‌گیری از آنها می‌رود ثبت و ضبط شده است.

ایران شناسی



کمدی در این سو و آن سوی زندگی…

نوشته ن ش لاداری

نگاهی به مان کمدی ایرانی، نوشته استادمحمد رستمی

این اثر همراه با پیشگفتاری عالمانه که در مورد رمان و همچنین محتوای این کتاب است، آغاز شده و سپس با بیانی ساده و شیرین به شرح سفرها و ماجراهای دیرهم زبیده – که ظاهراً برخی از آنها از واقعیت برگرفته شده‌اند پیش می‌رود، به گونه‌ای که برای قشر و افراد رمان خوان از کشش لازم برخوردار است.

اگر «لانتنه» کمدی الهی را نوشت و مجموعه آثار بالاژاک کمدی انسانی نام گرفت، اینک یک هم‌زمان ما فارسی‌گویان عنوان «کمدی ایرانی» را برگزیده است و وعده داده که در مجلدات دیگر ادامه آن را منتشر کند.

در این اثر روای با توصیف نبش قبر و بیرون کشیده شدن مرده‌ای از گور و رفت و آمدهای مدام از حال به گذشته و گاه آینده گویی می‌خواهد بر مرگ برخی ست‌ها صحنه بگذارد و تلاشی برای زنده کردنشان را کارای عبث بلکه زاینبار قلمداد کند. رمان به صورت داستان در داستان با پیچیدگی‌های خاص ساخته شده، چنان که برای درک پیوند بخش‌های آن باید تمرکز زیادی داشت.

هر کار و اثر هنری قطعاً رویه‌ای دارد و لایه یا لایه‌های پنهانی که خواننده حرفه‌ای و آگاه آن لایه‌ها را کشف می‌کند و از همین روست که اثر در نظرش به گونه‌ای متفاوت با آنچه خواننده عادی در می‌یابد، جلوه می‌کند. این که گفته‌اند داستان در رمان در واقع ساده‌ترین و سطحی‌ترین لایه آن است، سخن درستی است.

همانطور که اشاره شد، این رمان ساخته شده از چندین ماجرا است که در نهایت کمدی سیاه را می‌سازد و نباید از آن توقع کمدی خنده آور را داشت، هر چند که خواننده آگاه «ضحک بودن تکرارها و بی‌نتیجگی خشونت‌ها را در آن به روشنی می‌بیند.»

بررسی داستان‌های این رمان مجالی دیگر را می‌طلبد، اما به اختصار باید گفت که روای داستان یابی‌گری و طعنان گروهی خاص را با اقدام گروهی نوجوان که مأمور دولت را به قتل می‌رسانند مقایسه می‌کند تا در آخر به بی‌نتیجگی یا پیامدهای منفی آن‌ها برسد.
در این میان به زندگی خود و خانوادش هم می‌پردازد تا با جنابیت بخشیدن به داستان، خواننده را تا آخر با خود همراه کند. او مدام از خواب به بیداری می‌آید و این امر را تکرار می‌کند که خود مطالعه موضوع و مقوله دیگری برای نقد باشد.

سخن را کوتاه می‌کنم و داوری در باب این رمان را به دیگران وا می‌گذارم و به این نکته اشاره می‌کنم که با وجود ویژگی‌های مثبت این اثر که کم نیست – و با آن که می‌دانیم ابهام و ابهام در برخی آثار هنری گاه ضروری و پسندیده است، اما به نظر می‌رسد، نویسنده در این کتاب، مواردی را ناگفته گذاشته که شاید تعدمی در کار بوده است، مثلاً در اواخر کتاب، از سفری نه روزه سخن به میان می‌آورد، که خواننده کنج‌گاو و تیزبین، توقع دارد، توضیحی در باب آن بیابد، که نیست و قرینه‌ای یا اشاره‌ای که خواننده را به نکته‌ای رهنمون باشد به دست نمی‌دهد.
باری این رمان براساس داستان‌های گذشته اما با شیوه نو بیان شده که با جود کاستی‌ها، سبکی نو و متفاوت به شمار می‌آید.
در اینجا به سخن «آ. آرچرجازن» اشاره می‌کنم که گفته: «ایران نمونه‌هایی را که می‌دانشیند، ارائه می‌کنند، مداران در فکر نصایح شیرین خود هستند و مدیران به نیکو بودن تعلیم خود خرسندند، خوشبخت کشوری که از وجود چنین افرادی برخوردار باشد، اما رمان‌نویس بیش از پدر ومادر و شاید بیش از مادر به اعمالی قضایا رسوخ می‌کند، پس او راهنمایی برگزیده است زیرا دستورات حکمی صادر نمی‌کند و خواننده به همین دلیل بیش از دیگران با او اعتماد می‌کند» [اصول نقد ادبی، (رمنس‌ترانگ ص۲۰۴) باری چاپ و نشر این گونه آثار در این دوران وانفاس، معنتم است و ما مطالعه و تعمق و بررسی و نقد آن‌ها را به اهالی قلم توصیه می‌کنیم.

دوباره حافظ همیشه حافظ

دیوان خواجه شمس‌الدین محمدشیرازی(۷۲۶–۷۹۲ هـ ـ ق) مقلب لسان الغیب و «ترجمان الاسرار» همانند بسیاری از دیگر شعرای بزرگ و صاحب نام زبان فارسی، به کرات و سرات تصحیح، چاپ و نشر یافته است و به همین روال تا ابد الدهر کار ادامه خواهد یافت و باید که چنین باشد.وجود چنین موهبتی از چپتی نمودار اعتبار نهان مؤلفان، مصححان و ناشران است به زبان فارسی و پاسداشت کیان فرهنگی جامعه خودی و جهانی و دیگر ناظر است به برآوردن نیازی که عامه مردم در هر دور و زمانی به چنین آثاری دارند.از سویی دیگر هم مزید بر همه، اقدام به چنین مهمی گویای اعتبار مؤلف و مصصح است در طرز کار و روش نگرش وی به این پدیده مهم فرهنگی.

اخیرا با اقدام نیک و هوشمندانه مدیران محترم انتشارات علمی و فرهنگی، دیوان شاعر شهیر ایرانی –حافظ شیرازی– به سعی و اهتمام استاد عالی قدر، جناب آقای دکتر محمد رستمی به شیوه‌ای بکر و بدیع مرتب و منظم گردیده و چاپ و نشر یافته، و البته که مایه چشم روشنی اهل دانش و بینش و ذوق و ادب فراهم گشته است و تا باد چنین باد، باری، با توجه به چابهای مختلف و تصحیحات گوناگونی که تاکنون از دیوان حافظ فراهم آمده در این روزگار، وجود چاپی ذوقی، النقاطی، ضرورتی دیگر دارد، خاصه که وجوداین چاپ همراه با نکته سنجی‌های خاص و وسواس علمی و تاملاتی شایسته صورت گرفته است. بدیهی است سعی آنان که چنین تمهیدی دیده‌اند مشکور است وسعیشان مآجور خواهد بود.

چاپ مورد نظر، از حافظ به شیوه‌ای تازه در تابستان سال۱۳۹۷ با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با طرحی زیبا فراهم آمده است به قطع پالتویی در ۶۶۸ صفحه با کاغذ اعلاّی ابریشمی زرد رنگ، (نوعی گلاسّه) همراه با ریزه‌کاری‌های از جهت آوردن تصاویر و برجسته کردن نام و تخلص شاعر، با رنگی متفاوت از رنگ متن اثر.

به طور کلی، این کتاب شامل دو قسمت ممتاز از هم است به صورت دو مجلد کتاب اول که فلاّ فراهم آمده همراه با پیش ففتری از مؤلف همه اشعار به شیوه و نظام الفبایی مرتب شده براساس آخرین حرف مصراع دوم بیت اول(مصرع). علوین عمده اشعار، به ترتیب شامل غزلیات، غزلیات مشکوک(منسوب)، قصاید، ترکیبند، ترجیع‌بند، مثنوی‌ها، قطعات رباعی‌ها و اشعار و ابیات منسوب به حافظ می‌شود. و اما در کتاب دوم که امید است عن قریب به زیور چاپ آراسته شود، مؤلف محترم، ضمن بیان سخن آغازین، مطالبشان را به شش بخش مجزا از هم تقسیم نموده‌اند. این قسمت که مهم‌ترین مباحث انتقادی درباب حافظ و شعر اوست، ارزش تحقیقی فراوانی دارد، خاصه که مؤلف گران قدر از پیشتره، آراء کرده بودند تا به چنین مهمی بپردازند.

اعتقاد این بنده ناچیز برای این است که ای کاش این شیوه از کار و عمل و تفحص و تحقیق در مورد همه بزرگان ادب فارسی و آثارشان –اعم از شعر و نثر – با جدیت تمام پی‌گیری شود و چنان باشد که هر گاه پس از چندی این آثار هر هفت کرده به جلوه در آیند و به شکوفایی ذوق عمومی افراد مدد رسانند.

شکی نیست که فکر و شعر و نظر و پسند و دریافت بزرگانی چون حافظ، برآیند تفکر عمومی یک قوم است که در خاطره جمعی مردم صورتی ابّدی پیدا کرده است. بدین روی هر کسی مایل است در هر مرتبهای از دانش و بینش است، به دیدار حافظ، این ابوالعجایب هنری، بشناید و دمی با او همراه شود و از فیوضات ربانی او بهره گردد. چون چنین است، البته جا دارد، دیوانی چون دیوان حافظ هر بار با نوعی از طرح و نقشه و خطا و تصویر عرضه شود. تا هر کس برحسب پسند خویش،از ترکیب کلیات چنین اثری، خود را بیابد و با آنچه در مافی الضمیر او قرار گرفته است، بیش از پیش آشنا شود. مردم ایران شعر حافظ را ندای درونی خودشان می‌دانند و آشنایی با او را نوعی خودشناسی می‌دانند. نیز از جهتی کتاب حافظ، برای ایرانیان همراه با نوعی تقدس است چندان که عامه توسل و تقال بدان را امری دل آگاهانه می‌شمارند. دیدار با شعر حافظ، و رفتن بر مزار او، نوعی زیارت است که آدمی در این نوع از برداشت با چنانی از معانی آشنایی پیدا می‌کند. با احترام و تعظیم اراده کسانی که در راستای این نوع امور مهم و اصیل فرهنگی می‌کوشند، قابل تقدیس است از خداوند بزرگ توفیق بیشتر چنین عزیزانی را از در گاه خداوند بزرگ مسألت دارد.

کتیبه

جستار گشایی:

شرح احوالی از آقای محمد رستمی، نویسنده و محقق پرکار و دقیق‌النظر نهاوندی به قلم ایشان به چاپ رسید که تاریخ اردیبهشت ۱۳۸۹ را بر جبین دارد. از جمله این عبارات به خط او:

«ماییم که خورشید همه شگزدگانیم

خودسوخته روشنگر راه دگزانیم»

محمد رستمی فرزند روح‌الدّین و قمرتاج، متولد نوزدهم آذرماه سال یک هزار و سیصدوسی و یک خورشیدی در محلهٔ چهارباغ (=چارواغ= Carvaq) نهاوند، فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی، خلدوند یکتا را شاکرم که توفیق آفرینش آثاری در زمینهٔ فرهنگ بومی و ملی را به من عطا فرمود، از جمله… افتخار سی سال معلّمی و تدریس در دورهٔ متوسطه و دانشگاه نصیب شده؛

«بس نام و نشاندار ز ما نام گرفتند

ما خویش در این معرکه بی‌نام و نشانیم»

امیدوارم آیدنگان از این آثار بهرمای برگیرند و از نگارنده و تلاش او یادی کنند:

«چون عطر بیوید، دگر عطار چه گوید

«دستان» ز چه گویی که چنینم و چنانیم»

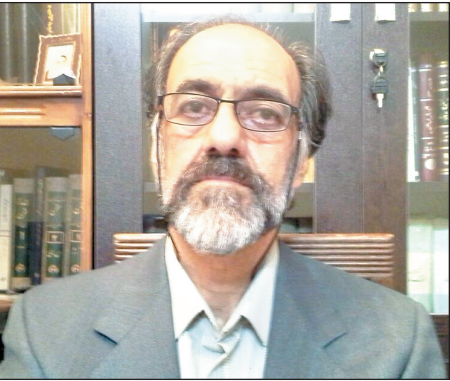
اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

البته شرح احوال مفصل و مشروح ایشان در کتاب «فرهنگ مردمی نهاوند» درج و منتشر شده است، اما در این نوبت از معرفی چهره‌های فرهنگ و خدمتگزاران عالم تحقیق و ادب و نگارش و هنر ایران، به معرفی آقای محمد رستمی و آثار و فعالیت‌های پژوهشی وی می‌پردازیم. جا داشت که مصاحبه‌ای انجام می‌شد و ما سیاههٔ پرسش‌هایی را هم خدمت ایشان ارسال کردیم، اما فرصت و شکیب میسر نشد و لذا در این شماره با چند مطلب منفصل‌العنوان، اما متصل‌الموضوع، با محقق برجستهٔ نهاوندی که در تاریخ و زبان‌شناسی و فولکلور و ادب پارسی و رمان‌نگاری و فنون متنوع دیگر قلم زد و آثار ارزشمندی را رقم زده است، آشنا می‌شویم. مطلب اول، شرح حال و کارنامهٔ کارهای ایشان اعم از پژوهش و تألیف و تصحیح و آفرینش ادبی است. این مطلب را جناب استاد رستمی شخصاً نوشته‌اند. پس از آن مقالهٔ دوم، نوشته‌ای از نویسنده و محقق محترم معاصر آقای محمدمهدی ناصح است که معرفی تصحیح درخشان و تازهٔ جناب استاد رستمی بر دیوان خواجه شمس‌الدین محمدحافظ شیراز است. این اثر نفیس و

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۴۲۹

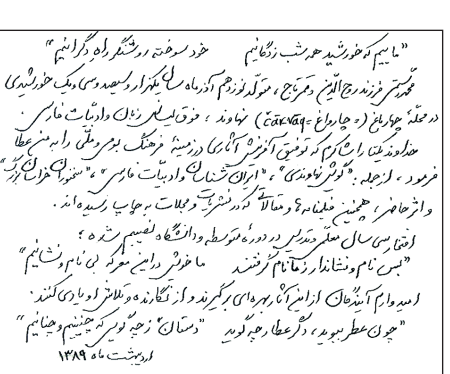


ارزشمند به تازگی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی به زیور طبع آراسته شده است. اثر سوم هم برای آشنایی با کیفیت و محتوای داستان «کمدی ایرانی»، نوال جالب و خواندنی آقای رستمی است که یکی از علاقه‌مندان به ادبیات و آشنایان با این اثر تحریر کرده‌اند این کتاب نیز در سال ۱۳۹۷ در ۲۵۶ صفحه از سوی علمی و فرهنگی به چاپ رسیده و روانهٔ بازار شده است. باری، ضمن نیایش به درگاه بزدان پاک، برای محققان شایسته و کوشای میهن بزرگ و کهنسالمان ایران، که سرزمین مادری، و گاهوارهٔ زبان و شعر دری است، آرزوی سلامت و سربلندی داریم و توجه خوانندگان عالی‌مقام را به این مقالات و مطالب جلب می‌کنیم.

می‌رسد که اهم آن‌ها عبارت است از:
گویش نهاوندی [بررسی زبان‌شناختی گویش نهاوندی] (۱جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
فرهنگ مردمی نهاوند (۲جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
شرح امثال و حکم نهاوندی (۲جلد) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چاپ ۱۳۸۸
کمدی ایرانی [زمان] (۱جلد) شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۹۶

فرهنگ باشکوه نهاوند و تاریخ و ادبیات ایران

آشنایی با استاد محمد رستمی، محقق و مؤلف و ادیب معاصر



او گذشته از مقالات ادبی و اشعاری معدود که در نشریات محلی و کشوری به چاپ رسانده، توفیق ساخت فیلم تلوزیونی و تنظیم ترانه‌هایی را برای رادیو یافته و سپس به چاپ و نشر آثارش پرداخته که تاکنون در موضوعات گوناگون به بیش از ده جلد

بخشی از دیباچه شرح امثال و حکم، کنایات، اصطلاحات و داستان های امثال فارسی

دستان نامه پارسی

یادداشت و ثبت و ضبط کردم و اینک خدا را شاکرم که لباس طبع بر تن می‌کند و به نظر فرهنگ‌دوستان می‌رسد.
در اینجا بد نیست یادآور شوم که طعم و لذت دریافت معانی ثانوی و غیرحقیقی عبارات و کلام را تنها کسانی به خوبی می‌چشند و در می‌یابند که توانایی فهم و درک و هضم آن را داشته باشند و این حس از دوران نوجوانی در ذهن انسان ایجاد می‌شود و من که از اوان نوجوانی و زمانی که توان خاوندان را یافت‌ام و با کتاب آشنا شدم،م، شاید به دلیل شیفتگی و پیگیری عاشقانه مطالعه و خواندن هر آنچه که به دست می‌رسید، به این باور رسیدم‌ام که این حس و علاقه هر چند که تا حدودی اکتسالی است و بر اثر عادت در وجود شخص ایجاد می‌گردد و جایگزیر می‌شود،اما به نحوی هم توفیقی است. یعنی گویی برای برخی از افراد چنین مقرر شده که از کودکی از بوی قلم و کاغذ مست شوند و به وجد بیایند و خواندن و نوشتن برایشان به صورت عادتی درآید که از آن گزیر و گریزی نیست و در مقابل کسانی که این لذت را در نیافته و طعم آن را نچشیده‌اند، گویی به هیچ وسیله‌ای نمی‌توان آنها را با کتاب و مطالعه آشتی داد و هکاه همانند جن و بسمله‌آه که می‌گریزند.

من که از همان آغاز خواندن آثار فارسی به وجود تفاوت‌هایی در نحوه بیان و به کارگیری واژه‌ها و عبارات، پی برده بودم در پی آن برآمدم که دلیل این امر را دریابم و بدانهم چه عاملی موجب می‌گردد که انسان از دسته‌ای از عبارات لذتی مضاعف ببرد و به تأمل واداشته شود. بعدها که در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل و تحقیق پرداختم،با این گونه‌ها بیشتر آشنا شدم و پس از انجام چند طرح پژوهشی و چاپ و انتشار آنها، شوق دارد در ذهن نگارنده جایگزین شده و در واقع آرزوی کاری خالی از این نقض‌ها و مزین کاری به محاسن و خلاصه جامع و کامل را، در سر می‌برورده است و همین موجب شده که در پی انجام چنین طرحی برآید.

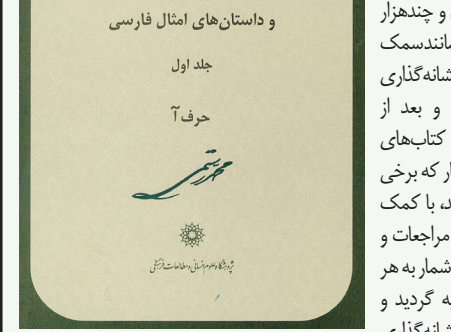
باری در چند سال اخیر که مشغول گردآوری و تدوین چند اثر در مورد فرهنگ البته عمدتاً بومی – بودم، به صورتی پیگیر در گردآوری مواد لازم جهت انجام این اثر، می‌گویشیم و هر آنچه را که مربوط به مثل و حکمت و تعبیرات و کنایات و… فارسی بود،

اول آن را به پایان رسانده و چاپ شده است و جلد دوم با عنوان «دولت عشق حافظ» در شرف اتمام است.
همچنین دیوان غزلیات سعدی (در ۲جلد) از این مجموعه در نیمه راه انجام یافتن است.
دیگر «دیوان کامل شمس» اثر مولانا جلال‌الدین مولوی است که در چندین مجلد همراه با شرح و توضیحات و نمایها و پیوست‌های دیگر در مراحل پایانی انتشار است.
رستمی خود معتقد است که: «از این میان آنچه که بیشتر قابل توجه است و باید در موردش توضیح داد، همانا کتاب (مجموعه) «دستان نامهٔ پارسی» است که در مجلدات متعدد تهیه و تدوین می‌گردد و بحمدالله جلد اول آن (شامل حرفا) در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده و منتشر شده است. این اثر گسترده در برگیرندهٔ امثال و حکم و عبارات کتابی و تشبیهی و هر آنچه ذیل مقولهٔ مجاز قرار می‌گیرد می‌یاشد. که ویژگی‌های آن در مقدمهٔ مفصل جلد اول آمده و دلایل لزوم انجام آن بیان شده است.علاقه‌مندان بهتر است به خود اثر مراجعه نمایند با این حال به چند مورد مهم فهرستوار اشاره می‌کنم:

۱) آثاری که در مورد امثال و حکم فارسی تدوین گردیده، هیچیک در برگیرندهٔ بخش اعظم این مواد نیستند و بیشتر تحت تأثیر نامداری مؤلفان و هیاهوهای مرسوم، مشهور شده‌اند، کما این‌که خود علامهٔ دهخدا به کامل نبودن کار خودش اذعان کرده است. در حالی که دیگران به نقد آن نپرداخته‌اند.
۲) شرح و توضیح امثال فارسی در هیچ اثری به صورت کامل و قانع‌کننده نیامده است.
۳) در آثار منتشر شده پیوست‌ها – شامل داستان مثل‌ها، توضیحات، نمایها، – ثبت نشده است.
خلاصه آن که مؤلف – و دستیارانش – معتقدند که چنانچه این اثر، با سرعت بیشتر و در زمان کوتاه‌تر به صورت کامل تدوین گردد و انتشار یابد، اثری بی‌ماند و کامل و ضروری خواهد بود که در تاریخ ادب فارسی برای آیندگان بسیار معنتم است و جایگاه خود را خواهد یافت و امیدواریم چنین شود.

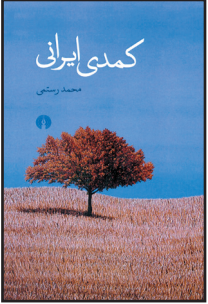
در اینجا توجه اهالی ادب را به این اثر و اساساً لزوم عنایت به امثال و حکم فارسی جلب می‌کنیم و یاریگری آن‌ها را می‌طلبیم.
بهمین ابراهیم‌زاده عهددار شده‌اند.

دیوان حافظ شیرازی که دبیر مجموعه (محمد رستمی) جلد



برخی چندین مجلد و چندهزار صفحه‌را شاملند.همانندسمک عیار – به مطالعه و نشانه‌گذاری عبارات گرفته شد و بعد از انجام کار بر روی کتاب‌های دسترس، دیگر آثار که برخی کمیاب بوده وهستند، با کمک گرفتن از دوستان و مراجعات و تماس‌های افزون از شمار به هر نحوی که بود، تهیه گردید و همگی را بررسی و نشانه‌گذاری کردم. پس از اینها نوبت مجموعه‌ها و فرهنگ‌های گردآوری شده و در برگیرنده، امثال و حکم فارسیبد که آنها نیز بررسی و برای استخراج مواد علامت‌گذاری شدند از جمله «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» که در سال‌های اخیر چاپ و منتشر شده، همراه با «امثال و حکم» دهخدا و دیگر آثار، همه و همه بررسی و نشان شدند یادآوری می‌شود که بسیاری از این مجموعه‌ها و از جمله همین «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌ها» فاقد هرگونه شرح و توضیحی هستند و تنها ماده مثل و عبارت در آنها ثبت شده است. این کارها صورت عمل به خود گرفت و در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ قرارداد انجام طرح با ناشر منعقد گردید. از آن هنگام کار صورت جدی‌تری یافت و پس از آن، بیش از یکسال و نیم مصروف به کار نویسی(فیش‌برداری) از مواد و عناصر ومدخل‌های مثل‌ها و حکمت‌ها و تعبیرهای دیگر دارای معانی غیرحقیقی(مجازی) و اصطلاحات و مانند آنها شد، تا جایی که در اوایل سال۱۳۹۲ تعداد برگ‌ها به بیش از پنجاه هزار مثل و حکمت رسید و همین حدود نیز در مورد دیگر عبارات فراهم آمد و در حین انجام کار همچنان به شمار این یادداشت‌هاافزوده شده و می‌شود.البته در ضمن ثبت مواد هر نکته ضروری که در شرح و توضیح احتمال بهره‌گیری از آنها می‌رود ثبت و ضبط شده است.

ایران شناسی



کمدی در این سو و آن سوی زندگی…

نوشته ن ش لاداری

نگاهی به مان کمدی ایرانی، نوشته استادمحمد رستمی

این اثر همراه با پیشگفتاری عالمانه که در مورد رمان و همچنین محتوای این کتاب است، آغاز شده و سپس با بیانی ساده و شیرین به شرح سفرها و ماجراهای دیرهم زبیده – که ظاهراً برخی از آنها از واقعیت برگرفته شده‌اند پیش می‌رود، به گونه‌ای که برای قشر و افراد رمان خوان از کشش لازم برخوردار است.

اگر «لانتنه» کمدی الهی را نوشت و مجموعه آثار بالاژاک کمدی انسانی نام گرفت، اینک یک هم‌زمان ما فارسی‌گویان عنوان «کمدی ایرانی» را برگزیده است و وعده داده که در مجلدات دیگر ادامه آن را منتشر کند.

در این اثر روای با توصیف نبش قبر و بیرون کشیده شدن مرده‌ای از گور و رفت و آمدهای مدام از حال به گذشته و گاه آینده گویی می‌خواهد بر مرگ برخی ست‌ها صحنه بگذارد و تلاشی برای زنده کردنشان را کارای عبث بلکه زاینبار قلمداد کند. رمان به صورت داستان در داستان با پیچیدگی‌های خاص ساخته شده، چنان که برای درک پیوند بخش‌های آن باید تمرکز زیادی داشت.

هر کار و اثر هنری قطعاً رویه‌ای دارد و لایه یا لایه‌های پنهانی که خواننده حرفه‌ای و آگاه آن لایه‌ها را کشف می‌کند و از همین روست که اثر در نظرش به گونه‌ای متفاوت با آنچه خواننده عادی در می‌یابد، جلوه می‌کند. این که گفته‌اند داستان در رمان در واقع ساده‌ترین و سطحی‌ترین لایه آن است، سخن درستی است. همانطور که اشاره شد، این رمان ساخته شده از چندین ماجرا است که در نهایت کمدی سیاه را می‌سازد و نباید از آن توقع کمدی خنده آور را داشت، هر چند که خواننده آگاه «مضحک بودن تکرارها و بی‌نتیجگی خشونت‌ها را در آن به روشنی می‌بیند.»

بررسی داستان‌های این رمان مجالی دیگر را می‌طلبد، اما به اختصار باید گفت که روای داستان یابی‌گری و طعنان گروهی خاص را با اقدام گروهی نوجوان که مأمور دولت را به قتل می‌رسانند مقایسه می‌کند تا در آخر به بی‌نتیجگی یا پیامدهای منفی آن‌ها برسد.

در این میان به زندگی خود و خانوادش هم می‌پردازد تا با جنابیت بخشیدن به داستان. خواننده را تا آخر با خود همراه کند. او مدام از خواب به بیداری می‌آید و این امر را تکرار می‌کند که خود می‌تواند موضوع و مقوله دیگری برای نقد باشد.

سخن را کوتاه می‌کنم و داوری در باب این رمان را به دیگران وا می‌گذارم و به این نکته اشاره می‌کنم که با وجود ویژگی‌های مثبت این اثر که کم نیست – و با آن که می‌دانیم ابهام و ابهام در برخی آثار هنری گاه ضروری و پسندیده است، اما به نظر می‌رسد، نویسنده در این کتاب، مواردی را ناگفته گذاشته که شاید تعدمی در کار بوده است، مثلاً در اواخر کتاب، از سفری نه روزه سخن به میان می‌آورد، که خواننده کنجگاو و تیزبین، توقع دارد، توضیحی در باب آن بیابد، که نیست و قرینه‌ای یا اشاره‌ای که خواننده را به نکته‌ای رهنمون باشد به دست نمی‌دهد.

باری این رمان براساس داستان‌های گذشته اما با شیوه نو بیان شده که با جود کاستی‌ها، سبکی نو و متفاوت به شمار می‌آید.

در اینجا به سخن «آ. آرچرجاز»: اشاره می‌کنم که گفته: «ایران نمونه‌هایی را که می‌دانشین، ارائه می‌کنند، مداران در فکر نصایح شیرین خود هستند و مدیران به نیکو بودن تعلیم خود خرسندند، خوشبخت کشوری که از وجود چنین افرادی برخوردار باشد، اما رمان‌نویس بیش از پدر ومادر و شاید بیش از مادر به اعمالی قضایا رسوخ می‌کند، پس او راهنمایی برگزیده است زیرا دستورات حکمی صادر نمی‌کند و خواننده به همین دلیل بیش از دیگران با او اعتماد می‌کند» [اصول نقد ادبی، (مرسترانگ ص۲۰۴) باری چاپ و نشر این گونه آثار در این دوران وانفاس، معنتم است و ما مطالعه و تعمق و بررسی و نقد آن‌ها را به اهالی قلم توصیه می‌کنیم.

دیوان اشعار شبلی چندان پروپیمان و قطور نیست. اما چند بار چاپ شده و یک چاپ با عنوان «کلیات فارسی شبلی نعمانی» با مقدمه و جمع‌آوری و ترتیب و تصحیح و توضیح از دکتر محمد ریاض، از سوی انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در سال ۱۹۷۷ میلادی در قطع رحلی در اختیار نگارنده است. این مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، یک نهاد فرهنگی مفید بود که حدود یکصد کتاب از میراث ادبیات ما در شبه قاره را بازتولید و چاپ کرد. ای کاش تلاومی در کار بود، هرچند امروز هم مؤسسات خوبی در این زمینه اهتمام دارند، اما شایسته است نهادهای آکادمیک و وابسته به فرهنگستان و دانشگاه در این کار پیشگام و ناظر و مولد باشند.

نظریات دکتر محمد ریاض

محمد ریاض، در مقدمه کلیات، شرح مختصری از زندگی و آثار شبلی نعمانی بیان کرده که برخی نکات جالب و تازه در آن درج شده است. وی در ارتباط با «شبلی شاعر» می‌نویسد: شبلی، قریحه شاعرانه و عاشقانه و ذوق بس سرشار داشته و این امر کتب و مقالات وی را نسبت به آثار معاصران بزرگ وی دلاویزتر ساخته است. او احیاناً به اردو و فارسی شعر می‌گفت اگرچه به این فن علاقه مفرط نداشته و برای همین است که بسیاری از غزلیات و قصاید و منظومات وی ناتمام مانده و برای استكمال آن هم توجه نداشته است. به طور کلی شعر فارسی شبلی، عذب و دلاویز و پرهیجان و فاقد ویژگی سبک هندی است. استاد عباس مهرین شوشتری نوشته است:

«شبلی گرچه به ایران نیامد، ولی اشعار فارسی وی، نسبت به معاصرین فارسی‌گوی هند، به فارسی ایران نزدیک‌تر گفته شده است.»

«اگر از بعضی لغات ویژه فارسی شبه قاره بگذریم، از لحاظ بیان و سبک گفته شبلی، شبیه گفته ایرانیان می‌گردد. خود شبلی در مقاطع غزلیات خود، به پیروی از شعر سعدی و حافظ و نظیری و ملک قمی و ظهوری و صائب تبریزی و حزین لاهیجی اشاره کرده است.

اشعاری که در این مجموعه جمع‌آوری گردید، به صورت جزوه‌های کوچک در زندگانی شبلی و بعد از درگذشت وی چاپ گردید که البته متأسفانه اغلاط زیاد داشته و سال‌هاست که کمیاب بلکه نایاب گردیده است. جمع‌آوری و ترتیب و تنظیم این مجموعه با استفاده از کتاب‌های کتابخانه کراچی و لاهور و اسلام‌آباد پاکستان عملی گردیده است. مجموعه جمعاً در حدود ۱۸۰۰ بیت دارد.

غزلیات شبلی که در این کلیات جمع‌آوری گردیده و جمعاً در حدود هشتصد بیت دارد، نمونه کم‌نظیر شعر فارسی است. بسیاری از اشعار غزل‌های وی، در شهر بمبئی سروده شده است. شبلی از سال ۱۹۰۰ الی ۱۹۱۰م در آن شهر ایاب و ذهاب زیاد داشته.

در حواشی کلیات ما توضیحاتی مختصر در معانی الفاظ نادر و بعضی وقایع آورده‌ایم. امیولواریم که بدین وسیله، شبلی نعمانی که احیاناً تسنیم و نعمانی را هم به عنوان تخلص به کار برده، به عنوان شاعر طراز فارسی در ایران معرفی و ارمغانی دلپذیر [از] شعر فارسی وی برای ضیافت طبع دوستان ایرانی و فارسی‌زبانان دیگر عرضه گردد.»^۲

باری، داوری و نقد و تحلیلی در نوشته ریاض نیست، جز اشاره به صورت و تعداد اشعار شبلی، اما اینکه نوشته است شعر شبلی «عذب و دلاویز و پرهیجان است» نیز در قیاس با چه سطحی و با کدام اشعار چنین داوری کرده است؟ شاید علاقه مصحح به استادش باعث این توصیفات شده و گر نه شعر شبلی متوسط و البته نسبت به شعرهای سبک هندی متأخر، سهو و غلط و غلطت کمتری دارد. یعنی ضمن تعادل در لفظ و معنا، از حیث تصاویر و خیالات قابل قبول‌تر است.

نظر شیخ محمد اکرام درباره غالب دهلوی و شعر پارسی نوین شبه قاره

به قول شیخ محمد اکرام، ادیب پاکستانی: او «از

شبلی نعمانی فرهنگ ایرانی و ادبیات پارسی بخش هشتم

شعر شبلی



● سید مسعود رضوی



گویندگان بزرگ و مشهور شبه قاره هند و پاکستان است و طبعاً شعرهایش نیز ... با آثار طبع شعری که صدها فرسنگ از خاک پاک شیراز و اصفهان دور می‌زیسته و می‌کوشیده‌اند کانون فرهنگ و زبان فارسی را در شبه قاره هند و پاکستان همواره روشن و پر حرارت نگاه دارند.^۲ پس باید «به دیده تقدیر و اغماض»^۳ در شعر او نگریست.

شبلی از آن دسته شعری بود که پس از غالب دهلوی به میدان آمده بود و غالب «آخرین شاعر بزرگ بود که در دربار مغول زندگی می‌کرد. تقدیر و سرنوشت چنین حکم کرده بود که غالب، انقراض امپراتوری مغول و تبعید بهادرشاه آخرین امپراتور آن را به رنگون، پس از فاتح شدن انگلیس‌ها در جنگ ۱۸۵۷م مشاهده نماید. بنابراین منظومات این شاعر بزرگ نیز در واقع بهترین آیین زمان خود بوده و سراسر آندوه است و حتی از مطالعه مشاهدات شخصی شاعر این طور استنباط می‌شود که بر عظمت گذشته افسوس می‌خورد و ناله می‌کند. اما از لحاظ بلندی پایه شعری و لطافت خیال و ملاحات و کمال صنعت شعری، اشعار غالب شامل همان زیبایی‌ها و ریزه‌کاری‌های عهد مغول است که با سنگ مرمر در عمارت تاج محل اگر به کار رفته است. هنگامی که مغول‌ها ثروتمند و فاتح بودند احلام طلایی آنان و جمال پرستی آنها به وسیله سنگ‌های مرمر جلوه‌گر می‌شد و موقعی که ثروت آنها از بین رفت و خزانه‌ها تهی شد و رویاهای خوش آنان قوس نزولی را طی کرد، آن حسن عالی زیبایی پرستی به وسیله الفاظ شیرین و اشعار دلسوز و دردناک بروز کرد:

گهر از رایت شاهان عجم برچیدم
به عوض خامه گنجینه فشانم دادند
افسر از تارک ترکان پشنگی دادند
به سخن ناصیه فرّ کیانم دادند
گوهر از تاج گسستند و به دانش بستند
هرچه بر دند به پیدا، به نهانم دادند
پس از غالب دیگر زبان فارسی مقام شامخ خود را در دربار سلاطین از دست داد و دیگر مانند سابق زبان رسمی نبود ولی با این وصف، سوابق ادبی قرن‌های گذشته باز اثر خود را جای گذاشته و باز هم بعضی از شعری ما در سرون شعر به زبان شیرین فارسی ادامه دادند، در حقیقت پس از اینکه دوره فرمانروایی مسلمانان در شبه قاره پاکستان و هند به سر آمد، نهضت جدید دیگری در میان خود مسلمانان هند پیدا شد و در لوی این نهضت افراد مسلمان شخصاً عهده‌دار حفظ و نگاهداری روح و فرهنگ خود گردیدند. این نهضت را مرحوم سیداحمد خان و حالی شروع کردند ولی علامه محمد اقبال روح آن را با اسلوب ادبی در قالب فارسی در آورد:

تنم گلی ز خیابان جنت کشمیر
دل از حریم حجاز و نواز شیراز است»^۴

سیداحمد خان و شعر پارسی

باری، شبلی یکی از تربیت شدگان مکتب و مدرسه و شعر استاد عقل‌گرای دانشمند و علاقمند به تحول و علم و دیانت یعنی سیداحمدخان، بانی دارالعلوم علی‌گهرو بود. او هم اهل شعر و ادب بود و اشعاری به فارسی از وی برجای مانده است.



بیتی پارسی هم بر مزارش لوح است:
تاب یک جلوه نیاورد نه موسی و نه طور
این دل ماست کزین گونه هزاران دیده است
احمدخان حتی در شعرهای معمول نیز، عقاید و آرمان‌هایش را، همچون دانش و اندوخته‌های علمی و دینی به کار می‌گرفت و گویا این شیوه‌ها و طرفه‌کارها هم گوشه‌ای از موراثت غالب بود:

کیست آن سروسپهی کاندر رهش

باختم دین و دل و آرام را

قوم ما، ای قوم ما، کز بهر تو

دادام بر باد ننگ و نام را

اینها نمونه فرد و رباعی از احمدخان است و نیز این غزل:

فلاطون طفلکی باشد به یونانی که من دارم
مسیح‌ارشک می‌آرد ز درمانی که من دارم
ز کفر من چه می‌خواهی، از ایمانم چه می‌پرسی؟
همان یک جرعه عشق است ایمانی که من دارم
خدا دارم، دلی بریان زعشق مصطفی دارم
ندارد هیچ کافر ساز و سامانی که من دارم
ز جبریل امین قرآن به پیغامی نمی‌خواهم
همه گفتار معشوق است قرآنی که من دارم
زبرهان تا به ایمان سنگ‌ها دارد ره واعظ
ندارد هیچ واعظ همچو برهانی که من دارم
احمدخان، مؤلف تفسیر قرآن بسیار معروف و مؤسس و مدیر یکی از معتبرترین و مؤثرترین مدارس علمی و دینی در هند اسلامی بود. شبلی بسیار به استاد شباهت داشت جز آنکه سیداحمدخان در علوم نو و نظریه‌پردازی و تفسیر، ابداعگر و صاحب نظریاتی برانگیزنده بود و شعر و ادب برایش تفتن و حاشیه محسوب می‌شد، اما برای شبلی، صفتی ممتاز و تخصصی آشکار و درجه اول بود.

شعرهای شبلی نعمانی

شعرهای دیوان شبلی، چند نوع است و ما در اینجا بدین انواع و نمونه‌ها و تحلیل و نقد مختصری از آنها، پژوهش را به پایان می‌بریم، اما پیش از آن برای درک اهمیت موضوع، جستاری از استاد فقیه سعید نفیسی را متذکر می‌شوم:

«امروز ما صدها کتاب نظم و نثر فارسی در رشته‌های مختلف داریم که در هندوستان و پاکستان نوشته شده و بحث در نظم و نثر فارسی در هندوستان و پاکستان یکی از مفصل‌ترین مباحث تاریخ ادبیات ماست. در دوره بابریان بسیاری از سخن‌سرایان بزرگ ایران به هند رفته یا در آنجا مانده و به خاک رفته‌اند و با بغل بغل ثروت و نعمت در پایان زندگی به ایران بازگشته‌اند و سر سلسله این دسته دوم صائب تبریزی شاعر بزرگ قرن یازدهم ایران است.

ناچار هر که در این رشته بسیار وسیع، یعنی فارسی در هندوستان و پاکستان مطالعه کند، خدمت بزرگی به ادب ایرانی کرده است و هرچه در این زمینه بنویسند، بازجای سخن هست و سال‌ها زمینه دست نخورده و بکر در پیش ما خواهد بود...»^۵

پاورقی‌ها:

۱- این عبارت را دکتر محمد ریاض از کتاب «تاریخ ادبیات ایران در خارج از ایران» اثر عباس مهرین شوشتری نقل کرده و قبلاً در جای دیگر ریاض به یک خطای وی اشاره کرده که عباس مهرین در کتاب مذکور لقب شبلی را «سراج‌الدین فکر کرده است که تسامح‌های می‌باشد»، در حالی که «نیاکان شبلی، راجپوت بودند از تیره هندوها، که چندین پیش از حکومت تیموریان به دین اسلام درآمدند بودند و نخستین شخص از نیاکان شبلی که مسلمان شده، لقب سراج‌الدین را برای خود برگزیده بود.» (همان، مقدمه، ص شش)

۲- کلیات فارسی شبلی نعمانی، همان، صفحات هشت، نه و ده.

۳ و ۴- ارمغان پاک، برگزیده سخنان پارسی گویان شبه قاره هند و پاکستان (از قرن پنجم هجری تا اقبال)، تألیف شیخ محمد اکرام، چاپ سوم، کانون معرفت، تهران ۱۳۳۳، ص ۵.

۵- همان، صص ۳- ح- ط- مقدمه محمداکرام.

۶- مقدمه سعید نفیسی بر ارمغان پاک، صص ۵ و ۶.



آموزگاری برای تمام فصول

درباره استاد گرانقدر دکتر عباس حُرّی، مدرس برجسته و نمونه زبان انگلیسی
محقق و دانشمند عالی‌رتبه، عاشق و دوستدار ایران و فرهنگ ایرانی
و بنیانگذار موسسه ملی زبان در سال ۱۳۴۰
نوشته: دکتر علی محسنی کاشانی*



قطعه شعری در مدح استاد سروده‌اند که بی‌مناسبت نیست در این مقال به آن اشاره شود. ایشان با تقدیم نامه‌ای در صدر ایات، به احترام استاد حُرّی، چنین نوشته و سروده است:

تقدیم به پیشگاه معلم جناب استاد دکتر عباس حُرّی که بزرگوار و عزیز است، این برگ سبز به مناسبت پنجاهمین سال خدمت صادقانه‌اش به فرزندان این آب و خاک است.

بزرگ استاد مهین سرور استوده خصالا و نیک اخترا
چو دُر از دهانت بریزد سخن کلامت به دُر و گهر انرا
تو خدمت نمودی یکی نیم قرن تو چون باغبانی و گل پرورا
به فصل بهاران به میلاد گل روا باشد از گل ترا افسرا
زها بر تو چون حر و آزادمای ز آزادگان مهتر و برترا
تو ای جلودان مرد جاوید زی خدایت بود روز و شب یاورا
باری، وصفی از دل برآمده است که حالات و عواطف شاگردان را نسبت به استاد راستین و باصداقت و شریف و دانشوری چون دکتر حُرّی را بازگو کرده است.

در سالهای اول تشکیل انجمن دانش‌آموختگان دبیرستان حکیم نظامی قم اکثر دبیران دوره اول تدریس در این دبیرستان در این جلسات شرکت داشتند که می‌توان نام آنها را برد آقای دکتر محمود؟ ریاحی - دکتر ابوالفضل مصف - دکتر عباس حُرّی - دکتر حسین کریمی - استاد رضا قربانی - استاد عطالله بزرگنیا - دکتر مصطفی شهرتاش - اکبر رادافشار - دکتر مهدی خاتمی - دکتر غلامعلی اخروی - استاد مرتضی جوادی و دکتر محمد غروی که در طی ۲۷ جلسات گذشته انجمن اکثر آنها به سرای باقی رفتند و تنها دکتر عباس حُرّی - مهدی خاتمی - اکبر رادافشار حیات دارند که آرزوی سلامتی و تندرستی برای آنها داریم.

استاد دکتر عباس حُرّی دارای شخصیتی والا علاقمند به ایران و فرهنگ ایران - محقق و دانشمندی با شناخت کامل به بزرگان شعر و ادب ایران - شاعر و نویسنده توانا می‌باشند لازم به ذکر است استاد دکتر عباس حُرّی ابتدا موفق به یادگیری زبان و ادبیات فارسی گردید و لیسانس ادبیات را بر لیسانس زبان انگلیسی مقدم به دست آورد و یکی از شخصیت‌های خوش‌نام و اثرگذار در فرهنگ و ادب فارسی می‌باشند.

بیست و هفتمین اجلاس انجمن دبیرستان حکیم نظامی قم در آذر ۹۷ در شهرستان قم در محل همان دبیرستان با شرکت قریب به ۳۰۰-۴۰۰ نفر از دانش‌آموختگان و دبیران برگزار شد و انجمن تصمیم‌داری بیست و هشتمین اجلاس خود را بار دیگر در محل همان دبیرستان در قم تشکیل دهد در این جلسات علاوه بر شاگرد و معلم از مهمانان بزرگی تجلیل به عمل آمده که از نخبگان فرهنگ ایران بوده‌اند و برخی در گذشته‌اند. در اینجا شایسته است که به ذکر نام تنی چند از آنها بپردازیم استاد دکتر عباس زریاب خوبی - دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی - دکتر منوچهر ستوده - استاد ادیب برومند - استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن - حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای محمود دعایی مدیر روزنامه اطلاعات - عبدالربیع حقیقت - و چند نفر دیگر.

در طی جلسات ۲۷ ساله انجمن دانش‌آموختگان دبیرستان حکیم نظامی قم (امام صادق(ع)) در تجلیل از مقام معلم، استاد دکتر عباس حُرّی همیشه و دایما در پی تشویق و تمجید از شاگردان این دبیرستان بوده - به خصوص دانش‌آموزانی که در کنکورهای دانشگاه‌های کشور در مقام بالا قبول شده‌اند و در این جلسات به آنها لوح تقدیر و سپاس و مبلغی وجه نقد اهدا می‌نمودند.

به هر حال استاد دکتر عباس حُرّی نزدیک به ۳ سال تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی قم چنان مهر دوستی و محبت از همکاران و شاگردان خود در دل دارند که پس از ۷۰ سال یاد و خاطرات آن روزها را فراموش نکرده و همیشه از آن روزها یاد و صحبت می‌کند - متأسفانه تمام همکاران آن دوران (دهه ۲۰ و دهه ۳۰) که با ایشان همکار بوده‌اند در گذشته‌اند یادشان گرامی و روانشان شاد باد.

از عشق و علاقه استاد به ایران همین بس با وجود همه امکانات که به خارج رفته و در آنجا زندگی کرد برای ایشان فراهم است ولی زندگی در ایران و تدریس به جوانان وطن خود را بر زندگی در خارج کشور ترجیح داده و این عشق و علاقه استاد به ایران یکی از بارزها و صفات ممتاز این مرد نیکو نام و شایسته می‌باشد.

* متخصص گوش و گلو و بینی و حنجره، شاگرد استاد در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۳ در قم دبیرستان حکیم نظامی

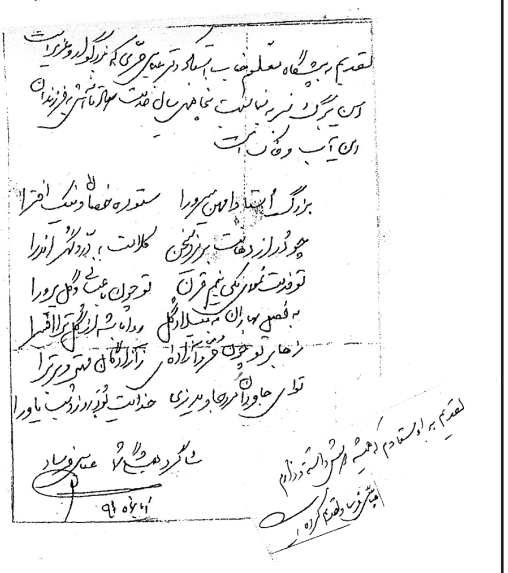
را فرا گرفته و وارد اجتماع شده‌اند و امروز اکثر آنها در مشاغل و مناصب علمی و فرهنگی و دانشگاهی و یا در مناصب مهم و مشاغل مملکتی هستند و یا در خارج از کشور در مناصب علمی و فرهنگی یا اقتصادی می‌باشند.
استاد چند سالی در دانشگاه MIDDLESEX لندن به آموختن زبان مشغول بودند و کتابی به انگلیسی در باب شکسپیر نوشتند که مورد توجه مقامات دانشگاه ذکر شده قرار گرفت و به دریافت جایزه مخصوص مفتخر گردیدند.
در چهاردهمین گردهمایی سالیانه در تجلیل از مقام معلم در سال ۱۳۸۱ استاد از من درخواست کردند برای یک سال همایش تجلیل از مقام معلم تبدیل به تجلیل از شاگرد باشد و با انتخاب ۳۰ دانش‌آموخته این دبیرستان به قید قرعه به این ۳۰ نفر لوح سپاس و تقدیر اهدا نمودند و کلیه هزینه‌هایش را پرداختند و ورودیه از این افراد دریافت نشد.

اقدام ارزنده و بارزش دکتر عباس حُرّی در بازدید و رفت و آمدهای به قم در دبیرستان حکیم نظامی نیاز به یک کتابخانه مدرن را واجب دانستند و کلیه هزینه ساخت آن را متقبل شدند و به اینجانب و کالت دادند که در این مورد دنبال کارهای لازم و مربوطه باشم اینجانب به اتفاق دوستان هم‌دوره خود به اتفاق خود ایشان کرارا سفرهایی به قم کردیم و با تلاش و کوشش زیادی که نمودیم با سنگ‌اندازیهای بی‌مورد مسئولین مربوطه مواجه شدیم و نتیجه‌این کار مفید و لازم و واجب و نیاز دبیرستان انجام نشد.

در سال ۱۳۹۰ (پنجاهمین سال موسسه ملی زبان) استاد جشن بزرگی در هتل استقلال تهران برپا و در حدود ۲۰۰ نفر دعوت داشتند و زحمات و خدمات استاد مورد تقدیر و تمجید حاضرین قرار گرفت و کتابی نفیس و ارزنده از بیوگرافی استاد با چاپ رنگی میان یک‌یک حضار اهدا گردید.

استاد با ۹۶ سال سن با عشق و علاقه هنوز موسسه ملی زبان را اداره می‌کنند شاگردان ایشان از خداوند آرزوی سلامتی و تندرستی برای ایشان می‌کنند آقای عباس فرساد دانش‌آموخته دبیرستان حکیم نظامی قم و دبیر پیشین این دبیرستان

بزرگ اوستاد مین سرورا
چو دُر از دهانت بریزد سخن
تو خدمت نمودی یکی نیم قرن
به فصل بهاران به میلاد گل
زها بر تو چون حر و آزادمای
تو ای جلودان مرد جاوید زی



استاد دکتر عباس حُرّی متولد سال ۱۳۰۲ کرمان، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر کرمان به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دانشسرایعالی به تحصیل مشغول شد از عشق و علاقه‌ای که به زبان و ادبیات فارسی داشت ابتدا موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی گردید و سپس به تحصیل در رشته زبان انگلیسی پرداخت و لیسانس زبان انگلیسی را هم دریافت نمود استاد دکتر عباس حُرّی ضمن تحصیل از شاگردان ممتاز دانشسرا بود در یک سخنرانی در دانشسرایعالی در زمان شادروان عیسی صدیق که دکتر عیسی صدیق مجنوب فصاحت کلام و شیوایی سخنان دانشجوی خود قرار گرفت و خودنویس خود را از جیب درآورد و به او هدیه کرد.

استاد دکتر عباس حُرّی در سال ۱۳۳۹ به پایان رسید و در سال ۱۳۳۰ شهرستان قم را انتخاب و به دبیری دبیرستان حکیم نظامی قم که در آن تاریخ تنها دبیرستان منحصر بفرد این شهرستان بود به تدریس مشغول گردید.

استاد تسلط کافی و کامل به ادبیات فارسی و هم‌چنین تسلط جامع به تدریس زبان انگلیسی داشتند.

لفظ صحیح لغات انگلیسی و لهجه درست کلمات توسط استاد از ویژگیهای تدریس ایشان بود، جملات و ضرب‌المثل‌های کوتاه، مختصر و مفید ایشان هنوز بعد از ۷۰ سال از گذشت دوران نوجوانی و کلاسه‌های درس استاد آویزه گوش اینجانب است و چون نقشی پرستگ در ذهن و خاطر من از ایشان به یادگار مانده است آنجا که به من طی عبارتی شیوا به زبان انگلیسی مفهومی را یاد داد همان مفهومی که فردوسی شاعر نامدل ما گفته «توانا بود هر که دانا بود».

نوجوانی ۱۵ ساله بودم در سال ۱۳۳۰ و در کلاس چهارم دبیرستان حکیم نظامی قم (امام صادق(ع)) که تنها دبیرستان منحصر بفرد قم بود افتخار شاگردی ایشان را پیدا کردم.

در دوره ۳ ساله اول آن دبیرستان دبیران متعددی تدریس زبان انگلیسی می‌کردند که هیچ‌کدام مدرک تخصصی در این رشته نداشتند و بر تدریس زبان انگلیسی هم آگاهی نداشتند به ناچار به علت کمبود دبیر زبان در دهه ۲۰ به تدریس اشتغال داشتند تا اینکه در سال ۱۳۳۰ در سال چهارم تحصیل اینجانب به قم وارد و تدریس خود را در این دبیرستان شروع کردند و تحویلی بزرگ برای ما در زبان‌آموزی آغاز شد چون دکتر حُرّی علاوه بر داشتن لیسانس در این رشته، مدرسی کوشا و مبتکر بر شیوه زبان‌آموزی بود.

استاد دکتر حُرّی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ نزدیک به ۳ سال به تدریس زبان انگلیسی در این دبیرستان پرداختند و آنچه در این دوره من از ایشان آموختم به جرأت می‌توانم بگویم سرمایه‌ای بود که در کنکور پزشکی قبول شدم کنکور پزشکی در دهه ۳۰ شامل دروس فیزیک - شیمی - طبیعی و زبان خارجه بود و همانطور که گفته شد راز موفقیت من نمره خوبی بود که در زبان انگلیسی داشتم. ناگفته نماند پس از عزیمت دکتر حُرّی به تهران شهید آیت‌اله دکتر بهشتی به جانشینی ایشان انتخاب و مدت کوتاهی تدریس زبان انگلیسی به عهده ایشان گذاشته شد.

استاد دکتر عباس حُرّی پس از تدریس چند سال در تهران در سال ۱۳۴۰ با مشکلات مادی و موانع مختلفی که بر سر راه ایشان بود موفق به تاسیس موسسه‌ای بنام (موسسه ملی زبان) گردید که محل اول آن در چهارراه ولی عصر از خیابان انقلاب فعلی (و شاه‌رضای) سابق بود.

آوازه شهرت و خوش‌نامی و معروفیت این موسسه به علت ارائه کار خوب چنان به سرعت در شهر تهران پیچید که در زمان کوتاهی مورد استقبال زبان‌آموزان قرار گرفت آنچنان که در موعد ثبت‌نام و روزهای امتحان ترافیک سنگینی در چهارراه ولی عصر ایجاد می‌شد و عبور و مرور وسائل نقلیه دچار مشکل می‌شد.

در دهه ۴۰ کلاسه‌های دیگر زبان هم در تهران بود ولی هیچ‌کدام شهرت و موفقیت «موسسه ملی زبان» را نداشتند بخصوص که از ویژگیهای این موسسه معلمین کارآزموده و زبان‌شناس و مسلط به تدریس زبان انگلیسی و از همه مهمتر تألیف و تدوین کتابهای درسی موسسه توسط شخص آقای دکتر عباس حُرّی بود که این موضوع برتری موسسه ملی زبان را بر سایر موسسات زبان می‌رساند. استقبال جوانان و حتی بزرگسالان برای زبان‌آموزی به جایی رسید که ساختمان چند طبقه چهارراه ولی عصر جوابگوی مراجعین نبود و استاد مجبور به تشکیل شعبات دیگری در نقاط دیگر تهران شدند و خود بر آنها نظارت مستقیم و کامل داشتند.

شاید بتوان گفت تاکنون ۲ میلیون زبان‌آموز از این موسسه مدارج زبان‌آموزی

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۲۹ ذیحجه ۱۳۹۹، ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹) نقل شده است.

اگر آمریکا شاه مخلوع را پس ندهد گروگان‌ها را محاکمه می‌کنیم

حجت الاسلام سید احمد خمینی صبح دیروز همراه سه تن گروگان آزاد شده آمریکائی در فرودگاه مهرآباد، حضور یافت و قبل از پرواز هواپیمای حامل گروگان‌ها در مصاحبه‌ای با خبرنگاران رسانه‌های گروهی شرکت کرد. متن این مصاحبه به شرح زیر است: من بنا بدعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و برادرمان آقای بنی صدر باینجا آمدم تا وقتی که گروگان‌ها آزاد می‌شوند یا آنها باشم که مطمئن بشوند که در راه قضیه‌ای اتفاق نمی‌افتد و از این جهت من با ایشان آمدم.

س - چه اتفاقی می‌افتد اگر آمریکا شاه را به ما پس ندهد؟

ج - اگر آمریکا به ما شاه را پس ندهد بنا به دستور امام ما اینها را نگه می‌داریم و محاکمه می‌کنیم و رابطه به همین صورت باقی می‌ماند و فعلا هیچ تغییری پیدا نمی‌کند و فشار افکار عمومی و بطور کلی برگشت افکار عمومی آمریکا موجب می‌شود که آمریکا نتواند این کار را بکند.

میلیون هادار، مارک و ریال تقلبی در سفارت آمریکا کشف شد

یک گروگان زن سفارت آمریکا دیشب در یک مصاحبه مطبوعاتی پرده از توطئه‌ای که سفارت آمریکا برای ایجاد تورم مالی در ایران کشیده بود برداشت. این توطئه به وسیله ورود چندین میلیون دلار، مارک آلمان و ریال به بازارهای ایران انجام می‌شد.

لیلیان جانسون، یکی از منشی‌های سفارت آمریکا که شب گذشته در پی فرمان امام خمینی دایر بر آزادی گروگان‌های زن و سیاهپوست مقدمات آزادی‌اش فراهم می‌شد، در پاسخ یکی از خبرنگاران گفت: که حدود شش هفته پیش یک ترک و یک ایرانی به سفارت آمده و با یک مقام امنیتی سفارت ملاقات کردند، آن‌ها به این مقام نامه‌ای را نشان دادند که به ترکی نوشته شده بود و ادعا می‌کردند که آن را از پاریس آورده‌اند. این نامه در حقیقت معرفی نامه‌ای برای آیندو بود. آنها همچنین با خود اسکناس‌های ۵۰ دلاری و ۱۰۰ دلاری تقلبی نیز همراه داشتند.

توسل آمریکایه شورای امنیت

سازمان ملل، آسوشیتدپرس، مک هنری نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت که آمریکا نسبت به احتمال محاکمه گروگان‌های نگهداری شده در سفارت آمریکا در تهران نگرانی فراوان دارد و مایل است که شورای امنیت سازمان ملل برای جلوگیری از این اقدام به آمریکا کمک کند.

لاهوئی استعفا کرد

آیت‌الله لاهوتی، سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استعفای خود، را تسلیم امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران کرد. سرپرست سپاه پاسداران طی نامه جداگانه‌ای که برای پاسداران سراسر کشور فرستاده است، با اشاره به بیماری قلبی اعلام کرده است که دلائل استعفای خود را طی مصاحبه‌ای مطرح خواهد کرد.

لیبی از ایران، کاملاً پشتیبانی می‌کند

تهران - خبرگزاری پارس: نماینده ویژه سرهنگ قذافی، رهبر انقلاب لیبی گفت: کشور لیبی قبل و بعد از پیروزی انقلاب ایران همواره از مردم ایران کاملاً پشتیبانی کرده و این کار را ادامه خواهد داد: آقای سعید مجیر در گفتگویی با خبرگزاری پارس، موضع لیبی را در قبال انقلاب ایران و مبارزه کنونی آن با امپریالیسم و صهیونیسم روشن کرد. وی گفت: بعد از انقلاب ۱۹۶۹ در لیبی، بعثت فضای بازی که در این کشور بوجود آمد، مردم متوجه شدند که شاه سابق ایران، شخصی دیکتاتور، اختناقگر و کارگزار امپریالیسم و برضد مردم مسلمان ایران است، از اینرو روابط دو کشور در سال ۱۹۷۱ بشدت تیره شد.

استاندار خراسان استعفا کرد

مشهد - طاهر احمدزاده استاندار خراسان، به‌عنوان اعتراض به دخالت عناصر غیرمسئول در خراسان و تعدد مراکز تصمیم‌گیری، طی نامه‌ای که برای امام خمینی ارسال داشت، از سمت خود استعفا کرد.

قاب امروز



جشنواره در نگاه‌های عروسی بختیاری/عکس از رضا کامران سامانی

سرایه

در کوی توام پای تمنا نرود

من سعی بسی کنم ولی پا نرود

خواهم که ز کوی روم اما چه کنم

کاین بیهوده گرد پا دگر جز نرود

وحشی بافقی

پند بزرگان

هر کاری که می‌توانید انجام دهید یا دوست دارید

که بتوانید انجامش دهید، باید شروع کنید.

جسارت، در خودش نبوغ، قدرت و جادو دارد.

گوته

تغییری باش که می‌خواهی شاهد آن در جهان

باشی.

ماها تماندانی

امروز در تاریخ

اعلان جنگ ایران به روم شرقی

دولت وقت ایران بیستم نوامبر سال ۵۰۲ میلادی (زمان پادشاهی قباد ساسانی) به دولت روم شرقی اعلان جنگ داد. این اعلان جنگ پس از سه اختطاری در پی به دولت روم که این دولت در رعایت تعهداتی که به موجب پیمان صلح سال ۴۴۲ سپرده بود تعلل کرده است صادر شد. در اختطاریه‌های کتبی سه گانه، دولت روم متهم شده بود که تعهد در صدد اجرای چند بند از پیمان صلح سال ۴۴۲ میلادی بر نیامده و تاکید شده بود که ادامه تعلل رومی‌ها، بیش از آن تحمل‌پذیر نخواهد بود.

بهای سکه طلا در آبان ۱۳۳۱

۲۹ آبان سال ۱۳۳۱ - دوران حکومت مصدق روزنامه‌های تهران بهای سکه طلا (یک پهلوی) را ۷۴ تومان و پنج قران گزارش کرده بودند همچنین این روزنامه‌ها بهای دلار آزاد (نرخ بازار) را ۷۴ قران گزارش کرده بودند.

در سال ۱۳۳۱، ایران تحت تحریم دولت انگلستان قرار داشت که یک ابرقدرت وقت بود و نمی‌توانست نفت خود را صادر کند.

«ژنو» پایگاه پر و تستانیسم

«ژان کالون» فرانسوی و یکی از دو موسس اصلی مذهب پروتستان ۲۰ نوامبر سال ۱۵۴۱ در ژنو یک حکومت مذهبی تشکیل داد تا پایگاهی برای پروتستانیسم اروپا باشد.

وی ضمن اعلام تشکیل چنین دولتی تاکید کرد که پروتستان‌های فراری و آواره سراسر اروپا را در ژنو پناه می‌دهد و به این ترتیب "ژنو" در برابر "رم" = واتیکان قرار گرفت که پایتخت پاپ‌ها بود.

محاکمه ۲۴ تن همکاران هیتلر در محکمه فاتحان جنگ

بیستم نوامبر ۱۹۴۵ و شش ماه پس از پایان جنگ جهانی دوم در اروپا، محاکمه ۲۴ تن از مقامات سیاسی و نظامی دولت حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان (نازی) در محکمه فاتحان جنگ مستقر در ساختمان مجتمع قضایی شهر نورمبرگ آلمان واقع در ایالت باوریا آغاز شد که به اعدام برخی از آنان انجامید.

www.iranianhistoryonthistoday.com

سودوکو

۲۶۱۱

	۳			۹	۱	۵	۴
	۵						
							۸
	۶	۳		۲	۷		
		۱	۸	۵	۹		
		۵	۳		۸	۶	
۵							۱
							۹
۴	۹	۷	۵				۸

۳	۸	۴	۷	۵	۱	۶	۹	۲
۶	۹	۲	۳	۸	۴	۷	۵	۱
۷	۵	۱	۶	۹	۲	۳	۸	۴
۴	۳	۸	۱	۲	۷	۵	۶	۹
۵	۷	۶	۴	۳	۹	۱	۲	۸
۱	۲	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۷
۹	۴	۳	۵	۱	۸	۲	۷	۶
۸	۶	۷	۲	۴	۳	۹	۱	۵
۲	۱	۵	۹	۷	۶	۸	۴	۳

حل ۲۶۱۰

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

همسر گرامی پیامبر (ص)	تیمارستان	م	ایر	عدد اختاپوس؛	ق	د	ا	ی	ت	حل جدول ۵۱۲۳
↓	↓	↓	اسید کلریدریک	↓	غ	ر	ب	ا	ل	
			↓	↓	نوس الک	پ	کروا	ت	ف	
					آبیچه	ن	مطلق الباق	ن	ا	نظرا
					م	ی	ن	ا	نظرا	
					مردوزی	ن	ف	ق	ت	وهر اکنت
					نات	ی	ا	ه	م	مطلق عاشقانه
					مناقص	ج	ا	ن	م	مناقص
					کلاه فرنگی	ه	ت	ن	ش	کنداده
					ویژه	م	خ	ز	ن	مطلق عاشقانه
					سمت راست	ر	ا	ی	ت	نظرا
					نشد مدرسه	د	ا	ه	ن	نظرا
					بخشی	ب	مقابل شمال	هیاکو و جنجال	فکر، خاطر	
					عشق یگانه	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					بی درنگ	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					پیشوند نفی	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					پیشانی	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی		
					نوعی برادر و خواهر	تیر پیکاندار	پیوند زناشویی	مرد سیاسی</		